

شرکت‌های چند ملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری

محمدحسین لطیفیان*

چکیده

مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در پاسخ به نگرانی‌های متداول جامعه بین‌المللی در خصوص مخاطرات و تهدیداتی شکل گرفته است که شرکت‌های فراملی در جامعه جهانی ایجاد می‌کنند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی و یا ضرورت تحقق محدودیت‌های حقوق بشری به این معنا است که شرکت‌های فراملی از آن جهت که در جامعه بین‌المللی زیست اجتماعی دارند و از حقوق و آزادی‌های جامعه بین‌المللی در فعالیت‌های اقتصادی‌شان بهره‌مند می‌شوند، در مقابل جامعه بین‌المللی مسئولیت دارند و بایستی نسبت به رعایت، احترام و ارتقا حقوق بشر همت گمارند. این در حالی است که حقوق بین‌الملل موضوعه فاقد رژیم جامع؛ کامل؛ منسجم و مستقل مسئولیت‌پذیری شرکت‌های فراملی است. با این وجود؛ با تمسک به «حقوق نرم و یا قوام نیافته» می‌توان ارکان وجودی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی را استنتاج کرد و نظام حقوق بین‌الملل را به سمت و سوی آرمان عدالت نزدیک ساخت.

کلید واژگان

شرکت‌های فراملی، محدودیت‌های حقوق بشری، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی.

* کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل.

مقدمه

الف) تحقق محدودیت‌های حقوق بشری در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی

شرکت‌های فراملی در جهان معاصر از قدرت شگرفی برخوردارند.^۱ قدرت برخی از این شرکت‌ها از قدرت اقتصادی برخی دولت‌ها فراتر می‌رود. بر طبق گزارش آنکساد درباره سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۱؛ در جهان در حدود ۴۵/۰۰۰ شرکت فراملی وجود دارد که بر ۲۸۰/۰۰۰ شعبه فرعی نظارت دارند. میزان فروش جهانی این شرکت‌ها به ۷ تریلیون دلار می‌رسد.^۲ در حدود دو سوم تجارت جهانی توسط شرکت‌های فراملیتی صورت می‌پذیرد و یک سوم این تجارت درون شرکت‌های فراملی انجام می‌گیرد. این

1. in 'The UN-norms on the responsibilities of transnational corporations and other Business Enterprises With regard to Human Rights ' (2003) UN doc E/CN/04/sub.2/2003/12/Rev.2(2003).

در این سند شرکت فراملی در پاراگراف ۲۰ به این گونه تعریف شده است: «یک واحد اقتصادی که در بیش از یک کشور و یا مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی که در دو یا چند کشور فعالیت می‌کنند- صرف نظر از این که از نظر حقوقی چه فرمی داشته باشند، خواه در کشور صادر کننده سرمایه فعالیت داشته باشند و خواه در کشور میزبان و خواه به نحوی انفرادی فعالیت کنند و یا به نحو جمعی». شرکت فراملی را می‌توان این گونه نیز مورد تعریف قرار داد: مجموعه‌ای از شرکت‌ها که تابعیت گوناگونی دارند و مالکیت مشترک و یا استراتژی مدیریت واحد آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

نگاه کنید به:

D.vagts , the multinational enterprise: A new challenge for Transnational law , (1970) 83 Harvard law review 739, 740 , - Vernon , Economic sovereignty at Bay , (1968) 47 foreign Affairs 110, 114. all cited in sara, joseph, corporations and transnational Human rights litigation, Hart publishing , 2004, p1.

S.Anderson and j.cavanaugh, The rise of Global corporate power (institute For policy Studies, Washington DC ,1996). Cited in Janet Dine , Companies, international trade and Human Rights , p47.

شرکت‌ها عهده‌دار ۷۵ تا ۸۰ درصد تحقیقات و فعالیت‌های توسعه‌ای در جهان هستند و بیش از ۹۰ درصد جریان تکنولوژی درون کشورها توسط این شرکت‌ها صورت می‌پذیرد.^۳

شرکت‌های چند ملیتی عوامل اصلی جهانی شدن هستند^۴ و با درنوردیدن بازارهای ملی و ایجاد شبکه اقتصادی فراملی، جهانی شدن را تسریع می‌کنند، به‌طوری که می‌توان ادعا کرد در جامعه جهانی، جهان، وطن شرکت‌های فراملی است و آزادی حرکت این شرکت‌ها در نقطه اوج خود قرار دارد.^۵

با توجه به قدرت عظیم اقتصادی شرکت‌های فراملی و متعاقب آن، تأثیری که این شرکت‌ها بر اقتصاد سیاسی جهان می‌گذارند، جای شگفتی نیست که این شرکت‌ها بر میزان بهره‌مندی طیف‌های وسیعی از مردم جهان از حقوق بشر تأثیر می‌گذارند.^۶ واقعیت‌های تلخ جهان معاصر نشان دهنده این امر است که شرکت‌های فراملی حقوق بشر و حقوق محیط زیست را نقض می‌کنند و در فرآیند حق‌بالندگی ملل مانع ایجاد می‌کنند. در شامگاه سوم دسامبر ۱۹۸۴؛ هنگامی که ۴۰ تن گاز متیل (CH₃) در کارخانه یونیون

3. Karlner, corporate planet (Sierra club , 1997) , UNCTAD, world investment Report. 1995: Transnational Corporations Report. 1995: Transnational Corporations and Competitiveness (UNCTAD, Division on transnational corporations and investment, New york , 1995), pp.xix-xx.all cited in janet , Dine , p11.

4. Oxfam, Rigged rules, j. Dunning (ed), Making Globalizahon work (oxford university press, 2003. cited in janet Dine, Companies, international trade and Human Rights, p10.

5. Cosmopolitan Culture.

6. S joseph, Taming the leviathans : Multinational enterprises and Human Rights , (1999) 46, Nether lands international law review 171, 173-74. cited in : S.joseph. Op. cit.p1.

کارباید که شعبه فرعی شرکت فراملی آن شرکت در بوپال هندوستان بود نشت کرد، ۵/۰۰۰ نفر انسان جان خود را از دست دادند، به علاوه بیش از نیم میلیون نفر در اثر این حادثه زخمی شدند و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کودک تازه تولد یافته به علت این که مادران‌شان در معرض گازهای سمی قرار گرفته بودند معلول به دنیا آمدند. در این فاجعه، بلایا و مصائب انسانی و ویرانی‌های زیست محیطی و رای تصور بود.^۷

۲۰ سال پس از این فاجعه انسانی؛ در سوم دسامبر ۲۰۰۴؛ اجلاسی در یادمان تراژدی بوپال و قربانیان آن برگزار شد. برگزارکنندگان این همایش یادآور شدند که نتایج زیان‌بار این تراژدی با گذشت سال‌های متعددی هنوز نیز ادامه دارد. مواد شیمیایی خطرناکی که بر اثر انفجار سوخته بود؛ هنوز خاک و آب‌های زیرزمینی منطقه را آلوده ساخته است و این امر؛ سلامتی بسیاری از مردم را که دسترسی به منبع دیگری برای تأمین آب آشامیدنی خود ندارند به خطر افکنده است. قربانیان این حادثه هنوز از فقدان جبران خسارت عادلانه و همچنین فقدان حمایت اجتماعی، اقتصادی و پزشکی رنج می‌برند.

حادثه بوپال تنها یکی از واقعیت‌های تلخ جهان معاصر درخصوص نقض قواعد و مقررات حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی است. تاریخ معاصر از نقض مکرر حقوق بشر و حقوق محیط زیست توسط مؤسسات بازرگانی حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که این مؤسسات چگونه در روند بالندگی ملل در حال توسعه ایجاد مانع می‌نمایند.

ضرورت تحقق محدودیت‌های حقوق بشری و یا ضرورت تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی^۸ در واکنش به نگرانی‌های متداول جامعه بین‌المللی درخصوص

7. UNRISD, States of Disarray: The Social effects of Globalization, UN, Geneva, 1995, UNRISD, visible Hands: Taking responsibility For Social development, UN, Geneva, 2000, cited in: puVimana Singhe, Shyami – Feman do, Foreign investment, Human Rights and The environment, Nijhoff publishers, 2007.

8. International corporate Social responSibility.

مخاطرات و تهدیداتی شکل گرفته است که شرکت‌های فراملی در جامعه جهانی ایجاد می‌کنند.

ب) سیاق عام مقاله: جهانی شدن و عقلانی ساختن پیامدها و آثار ناگوار آن
تحقیق حاضر در سیاقی عام، در حوزه جهانی شدن و عقلانی ساختن آثار و پیامدهای ناگوار آن قرار می‌گیرد.

از ابتدای دهه ۱۹۹۰؛ با بی اعتبار شدن نظام کمونیسم و گسترش و توسعه نئولیبرالیسم اقتصادی پدیدار جهانی شدن رشد فزاینده‌ای پیدا کرده است.

خصوصی سازی، مقررات زدایی، اصلاحات ساختاری^۹ و انتقال قدرت از حوزه عمومی به حوزه خصوصی در زمره مهم‌ترین ویژگی‌های پدیدار جهانی شدن در جهان معاصر است.

تسلط نیروهای بازار، یکپارچه شدن بازارهای جهانی و فراگیر شدن تحولات در حوزه وسائل ارتباطات جمعی و رسانه‌ها را می‌توان از دیگر خصایص عصر جهانی شدن دانست.

کشورهای توسعه یافته با در اختیار داشتن نهادهای مالی برتون وودز جهانی شدن را به سمت و سوی دل خواه خود هدایت می‌کنند.

بی‌آنکه بخواهیم نکات مثبت و آثار و پیامدهای خوشایند جهانی شدن را نفی نماییم، اعتقاد داریم که این پدیدار با خود پیامدهای ناگواری به همراه داشته است. گرم شدن زمین، تغییرات اقلیمی، تولید گازهای گلخانه‌ای، موارد پی‌درپی نقض مقررات حقوق بشر، وجود فقر و فاقه عمومی در کشورهای در حال توسعه و شرایط ناعادلانه کار در برخی از

9. Deregulation, privatization and structural adjustment.

نقاط جهان را می‌توان از جمله آثار و پیامدهای ناگوار جهانی شدن دانست که جامعه بین المللی معاصر را گرفتار خود ساخته است.

از آن‌جا که شرکت‌های فراملی عوامل اصلی جهانی شدن هستند، تحقق محدودیت‌های حقوق بشری در عرصه تجارت بین‌الملل را می‌توان یکی از گام‌های بنیادین جهانی شدن و عقلانی ساختن آن تلقی کرد.

ج) سیاق خاص مقاله: مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل

تحقیق حاضر در سیاقی خاص، در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی به این معنا است که شرکت‌های فراملی از آن جهت که از مواهب جامعه بین‌المللی برخوردارند و از حقوق و آزادی‌های جامعه بین‌المللی بهره‌مند می‌شوند؛ در مقابل جامعه بین‌المللی مسئولیت دارند و باید به رعایت تعهدات حقوق بشری مقید و ملتزم باشند.

از آن‌جا که بسیاری از پیامدها و آثار ناگوار جهانی شدن معلول موارد زیاد نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی است، تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند در نهایت به کاسته شدن از پیامدها و آثار ناگوار جهانی شدن بینجامد و پدیدار جهانی شدن را با عقلانیت دمساز و هماهنگ سازد.

برای ایضاح و روشنی هرچه بهتر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باید به دو معنای متمایز از مفهوم مسئولیت اشاره شد:

بند اول: مسئولیت در معنای محدودیت و یا التزام به قواعد ماهوی و یا اولیه^{۱۰}

واژه مسئولیت گاه در معنای محدودیت و یا التزام صاحب تکلیف به قواعد ماهوی استعمال می‌گردد. به عنوان مثال، وقتی گفته می‌شود شرکت‌های چند ملیتی مسئولیت‌های حقوق بشری دارند، مراد این است که شرکت‌های چند ملیتی باید به قواعد حقوق بشری احترام گذارند. در این معنا، قواعد حقوق بشری طیفی از محدودیت‌های رفتاری را بر شرکت‌های چند ملیتی تحمیل می‌نمایند و آن‌ها را مقید و ملزم به رعایت صاحبان حقوق مینمایند.

بند دوم: مسئولیت در معنای اعاده وضع به حال سابق و یا تکلیف ثانوی به جبران مؤثر خسارات^{۱۱}

گاهی نیز مسئولیت در معنای اعاده وضع به حال سابق استعمال می‌گردد. مسئولیت در این مفهوم مسبوق بر نقض قاعده حقوقی است. هنگامی که قاعده اولیه حقوقی نقض می‌گردد و به سبب نقض قاعده صاحب حق متضرر می‌شود، ناقض قاعده حقوقی مکلف می‌شود تا خسارات وارده را به نحوی مؤثر جبران نماید. برای نمونه وقتی گفته می‌شود شرکت‌های فراملی مسئولیت دارند مراد آن است که در صورتی که شرکت‌های فراملی قواعد حقوق بشری را نقض نمایند، باید خسارات ناروا را جبران نمایند.

علی‌الاصول در همه نظام‌های حقوقی دو نوع قاعده وجود دارد: دسته اول قواعد قواعد اولیه‌ای هستند که حقوق و تکالیف اشخاص را معین می‌دارند و مرزهای غایی رفتار اجتماعی را تحدید و تعیین می‌نمایند. اما دسته دوم قواعدی ثانوی هستند که قواعد اولیه

10. Corporate responsibility.

11. Corporate accountability.

حقوقی را تضمین می‌نمایند.

نظام بین‌المللی حقوق بشر نظامی است که مانند همه نظام‌های حقوقی دارای قواعد اولیه و قواعد ثانوی است. قواعد اولیه حقوق بشری حقوق همه انسان‌ها را صرف نظر از نژاد، جنس، مذهب و..... معین می‌دارد و قواعد ثانوی حقوق بشری وجود و حیات قواعد نخستین را تضمین می‌کند. بنابراین، مسئولیت در معنای نخست (محدودیت و یا التزام به قواعد ماهوی) از قواعد اولیه حقوق بشری استخراج می‌گردد و مسئولیت در معنای دوم (اعاده وضع به حال سابق و یا تکلیف ثانوی به جبران مؤثر خسارات) از قواعد ثانوی حقوق بشری استخراج می‌شود. در قضیه کارخانه کورزوف دادگاه اعلام کرد که: (در نظام حقوق بین‌الملل، نقض یک تعهد (اولیه) متضمن تکلیف (ثانوی) به جبران خسارت در شکلی کافی و مؤثر است).^{۱۲}

همان‌طور که خواهیم دید نظام بین‌المللی حقوق بشر فاقد ساختاری مؤثر است که از حقوق و آزادی‌های انسانی در مقابل نقض مکرر قواعد حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی پاسبانی نماید.

به‌هرحال، استعمال واژه مسئولیت در مقاله حاضر در هر دو معنا به کار رفته است و دامنه شمول آن قواعد اولیه و نیز قواعد ثانوی حقوق بشری را در بر می‌گیرد.

(د) هدف تحقیق: ارزیابی انتقادی حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی

هدف مقاله حاضر ارزیابی انتقادی حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی^{۱۳}

12. Case concerning German interests in upper Silesia , P.C.I.J, 1927, Named as Chorzow case.

(It is a principle of international law that the breach of an obligation to make reparation in an adequate form)

13. Critical assessment of international law on foreign investment .

است. حقوق بین الملل موضوعه باید ضامن تحقق ارزش ها و غایات جامعه بین المللی باشد. رساله حاضر غایت انگاری حقوق بین الملل را فرضی مردود می شمارد. حقوق بین الملل فی نفسه غایت نیست و باید به عنوان ابزاری در جهت تحقق احترام به حقوق بشر؛ حفاظت از محیط زیست و تضمین بالندگی ملل در حال توسعه عمل نماید. در همین رابطه ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می دارد: «هر کس حق دارد خواستار برقراری نظم مدنی و بین المللی باشد که در آن تحقق کلیه حقوق و آزادی های مقرر در این اعلامیه به طور کل میسر گردد».^{۱۴}

بنابراین؛ نظم حقوقی حاکم بر جامعه بین المللی باید ضامن تحقق غایات و ارزش های جامعه بین المللی باشد.

در همین راستا؛ حقوق بین الملل در حوزه سرمایه گذاری خارجی باید بتواند از یک سو تضمین کننده حقوق سرمایه گذاران خارجی باشد و از سوی دیگر ارزش های متعالی جامعه بین المللی را مورد حمایت قرار دهد. در همین خصوص ماده ۱۲ اعلامیه ریو چنین می گوید: «کشورها بایستی در جهت ارتقاء نظام بین المللی اقتصادی ای که آزاد و حمایتی باشد با یکدیگر همکاری داشته باشند، نظامی که منجر به رشد اقتصادی و توسعه پایدار در همه کشورها شود و مسئله تخریب زیست محیطی را در صورت بهتری مورد توجه قرار دهد».^{۱۵}

← نگاه کنید به:

Shyami , Fernando , puvimanasinghe , foreign investment , Human rights and the environment, Nijhoff publishers, 2007.

14. Article 28.

Everyone is entitled to a social and international order in which the rights and freedoms set forth in this Declaration can be fully realized.

15. Principle 12: States should cooperate to promote a supportive and open

مع ذلک؛ حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی تنها ضامن حقوق و آزادی‌های شرکت‌های فراملی است. معاهدات دو جانبه، معاهدات منطقه‌ای و موافقت‌نامه‌های چندجانبه بازرگانی بین‌المللی تنها حاوی مقرراتی هستند که حقوق سرمایه‌گذاران خارجی را مورد حمایت قرار می‌دهند. رژیم بین‌المللی سرمایه‌گذاری خارجی فاقد رژیمی جامع، کامل و مستقل در مورد مسئولیت‌پذیری مؤسسات بازرگانی فراملی است و ارزش‌های حقوق بشری، محیط زیستی و ارزش‌های پیرامون حقوق بین‌الملل توسعه در آن به دست فراموشی سپرده شده‌اند.^{۱۶}

ارزیابی انتقادی چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل با استفاده از چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد. هدف از این ارزیابی انتقادی آن است که حقوق بین‌الملل موضوعه توسعه پیدا کند و در جهت تحقق عدالت و توسعه پایدار گام بردارد.

هـ) فرضیه بحث: پیکر سترونِ حقوق بین‌الملل در تأمین غایات عقلانی جامعه بین‌المللی

نگارنده طرح پیشنهادی خود را با این فرضیه آغاز کرد که: «حقوق بین‌الملل موضوعه در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند ضامن تأمین غایات عقلانی جامعه بین‌المللی در مقابل موارد مکرر و پی در پی نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی باشد.»

international economic system that would lead to economic growth and sustainable development in all countries, to better address the problems of environmental degradation.

۱۷. برای نمونه نگاه کنید به:

Janet, Dine, companies, international trade and Human Rights, op.cit.p126.

(و) پرسش بنیادین مقاله : نقطه عزیمت توسعه حقوق بین الملل

با داشتن چنین فرضیه‌ای باید دید که حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی از کدام نقطه می‌تواند توسعه خود را آغاز کند و در جهت تحقق غایات عقلانی جامعه بین‌المللی گام بردارد؟

(ح) پیش فرض‌های فلسفی - اقتصادی نوشتار حاضر: یادی از استیگلیتز و آمارتیا سن و فرازی از صلح جاویدان و حکومت قانون

تحقیق در حقوق بین‌الملل مانند هر علمی روشی مخصوص؛ مستقل و منحصر به فرد دارد. با وجود این؛ ذهن، ادراک و ضمیر حقوق‌دان نمی‌تواند به نتایج سایر علوم بی‌اعتنا باشد.

بند اول: جوزف ای. استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۰۱ در آثار متعدد خود از جمله نگاهی نو به جهانی شدن و جهانی شدن و مخالفان آن به انتقاد از آثار و پیامدهای ناگوار این پدیده پرداخته است. از نظر استیگلیتز جهانی شدن در شکل فعلی خود آثار و پیامدهای ناگواری از قبیل تخریب محیط زیست؛ گرم شدن زمین و زیاد شدن فاصله میان کشورهای فقیر و غنی را با خود به همراه داشته است.

آثار مخرب این پدیده از این واقعیت نشئت می‌گیرد که جهانی شدن را تنها گروه معدودی از کشورهای توسعه‌یافته - غالباً ایالات متحده آمریکا - هدایت می‌کنند. در صورتی که نیروهای حقیقی جامعه مدنی هدایت جهانی شدن را به دست گیرند همه جهان می‌توانند از مواهب جهانی شدن برخوردار شوند.^{۱۷}

بند دوم: آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اقتصاد ۱۹۹۸ در اثر گران سنگ خود با

۱۸. نگاه کنید به: استیگلیتز، جوزف؛ نگاهی نو به جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۶.

عنوان توسعه به مثابه آزادی، بر نظریات کلاسیک توسعه خط بطلانی می‌کشد. بر اساس نظریات کلاسیک، توسعه تنها به معنای افزایش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها است. در نظر آمارتیا سن توسعه به معنای فرآیند فعلیت یافتن حقوق و آزادی‌های انسانی است. در بسیاری از کشورها علی‌رغم رشد کمی اقتصادی و بالارفتن میزان سرمایه‌گذاری خارجی توسعه نیافتگی واقعی چشم‌گیر است.

در بخش دوم از فصل دوم خواهیم دید که سرمایه‌گذاری خارجی که از رهگذر پویش شرکت‌های فراملی ایجاد می‌شود تنها کافی نیست:

«توسعه‌ای که در رهگذر پویش شرکت‌های فراملی ایجاد می‌شود بایستی در نهایت شکلی انسانی به خود بگیرد؛ در خدمت انسان قرار گیرد و ضامن کرامت ذاتی آدمیان باشد».^{۱۸}

سرمایه‌گذاری خارجی گنجینه ارزشمندی است که می‌تواند به بالندگی کشورهای در حال توسعه بینجامد. نوشتار پیش رو در عین این که مدل‌های نئوکلاسیک سرمایه-گذاری خارجی را تصدیق می‌کند، در پی حاکم شدن رژیم اساسی حکومت قانون بر نظام سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق بین‌الملل است. به عبارت دیگر اگرچه رشد و شکوفایی اقتصادی جزء در سایه آزادی شرکت‌های فراملی به دست نمی‌آید، تضمین پایداری آن نیز مستلزم تحقق مسئولیت‌پذیری شرکت‌های فراملی است.

بند سوم: فرازی از کتاب صلح جاویدان و حکومت قانون

همان‌طور که به اختصار اشاره شد؛ لیبرالیسم اقتصادی به هیچ وجه به معنای حاکم شدن هرج و مرج در عرصه روابط بازرگانی نیست. گواه آن این که آدام اسمیت از

19. A. Sen, Development as Freedom, Anchor Books, USA, 1999.

بنیادگذاران اقتصاد کلاسیک پیش از آنکه کتاب ثروت ملل^{۱۹} را منتشر کنند، رساله نظریه احساسات اخلاقی^{۲۰} را منتشر می‌سازد.

در کتاب صلح جاویدان و حکومت قانون در این باره چنین آمده است: «مشترکات بین المللی فعلاً با مباحث اقتصادی سروکار پیدا نکرده است. با این حال؛ چندی است که جامعه بین المللی دولت‌ها در کل، به لیبرالیسم امید بسته و از یاد برده است یا تجاهل العارف می‌کند که «لیبرالیسم» فقط «بگذار و بگذر» نیست. «لیبرالیسم» همواره در کشورهای غربی؛ یعنی در همان‌جایی که به وجود آمده و رشد کرده؛ با رژیم اساسی «حکومت قانون» مرتبط بوده و همیشه اولویت را به «منافع جمع» و همچنین «توزیع عادلانه ثروت» داده است.^{۲۱} بر این اساس؛ نوشتار پیش رو در عین این که ضرورت آزادی حرکت شرکت‌های فراملی را تصدیق می‌نماید؛ بر لزوم تحقق ارزش‌های متعالی جامعه بین المللی در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی تأکید می‌ورزد.

ط) روش ارزیابی انتقادی حقوق بین الملل: مقابله منطقی و یا برابر نهادن دو چارچوب موضوعه و ارزشی حقوق بین الملل

در عالم ناسوت و یا حوزه شناخت پدیدارها، هر پدیداری تنها با ضد خود شناخته می‌شود. از این جهت، حتی می‌توان ادعا کرد شناخت حقوق بین الملل موضوعه جزء از طریق چارچوب مقابل و برابر نهاد آن میسر نیست. در صورتی که حقوق بین الملل موضوعه^{۲۲} در مقابل چارچوب ارزشی حقوق بین

20. wealth of nation.

21. The Theory of Moral Sentiments.

۲۱. هدایت الله، فلسفی؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، منبع پیشین، ص ۱۷۹.

23. Normative Framework of Public International Law.

الملل^{۲۳} برابر نهاده شود؛ دو نتیجه منطقی به دست می‌آید:^{۲۴}

- (۱) برابر نهادن حقوق بین‌الملل موضوعه در مقابل چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل محدودیت‌ها و نواقص ذاتی حقوق بین‌الملل موضوعه را روشن می‌سازد.
 - (۲) برابر نهادن حقوق بین‌الملل موضوعه در مقابل ارزش‌ها و غایات جامعه بین‌المللی؛ جهت توسعه آتی حقوق بین‌الملل را نمایان می‌کند.
- بنابراین از آنکه مفاهیم چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل؛ چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل و ابزارانگاری حقوق بین‌الملل به شاکله مقاله حاضر شکل می‌دهند، لازم است در ادامه به بررسی این مفاهیم پردازیم.

بند اول: ابزار انگاری حقوق بین‌الملل: نفی غایت انگاری حقوق بین‌الملل^{۲۵}

حقوق بین‌الملل به سان همه نظام‌های حقوقی باید حافظ و ضامن ارزش‌ها و غایات اجتماعی جامعه‌ای باشد که نظام حقوقی در سیاق آن قرار دارد. هر جامعه‌ای دارای ارزش‌هایی است که برخاسته از همبستگی‌های مادی؛ معنوی و نیازها و آرمان‌های مشترک آن جامعه است. جامعه بین‌المللی که برخاسته از همبستگی مادی؛ معنوی و مردم آمیزی جوامع مختلف است^{۲۶} مانند ... همه جوامع دارای ارزش‌ها و غایاتی است که حقوق

24. Value Framework of Public International Law.

۲۴. برای مطالعه درباره روش مقابله منطقی دو چارچوب موضوعه و ارزشی حقوق بین‌الملل، نگاه کنید به: مقدمه رساله گران‌سنگ خانم فرناندو شیامی:

Shyami, Fernando, puvimanasinghe, foreign investment, Human rights and the environment, Nijhoff publishers, 2007.

26. International law as a tool.

۲۷. هدایت الله، فلسفی؛ روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل، شناخت منطقی حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، ۱۳۷۰، ص ۱۵۳.

بین‌الملل باید تحقق وجودی آن‌ها را تضمین کند.

حقوق بین‌الملل باید بتواند حرکت جامعه بین‌المللی را به سمت و سوی خیر مشترک و عدالت تضمین نماید و حافظ ارزش‌های بنیادی جامعه بین‌المللی - احترام به حقوق بشر؛ حفاظت از محیط زیست و حق بر بالندگی ملل در حال توسعه - باشد.

«حقوق فی نفسه غایت نیست و لزوماً در غایتی وسیع‌تر که همان نظم مطلوب حیات مشترک اجتماعی باشد ادغام می‌گردد. با توجه به این غایت متعالی، «حقوق» هر چند که خود متضمن ارزش‌های خاصی است؛ اما نهایتاً و از این طریق؛ وسیله تحقق نظم مطلوب اجتماعی می‌شود. هم از این‌جا است که ارزش‌های اساسی حقوق، مثل «عدالت»، «تبادل» یا «امنیت حقوقی» تابع ارزشی برتر و بیرون از خود می‌شوند. این ارزش چیزی نیست جز همان «خیر حیات اجتماعی» که اصطلاحاً به آن خیر مشترک می‌گویند».^{۲۷}

بر این اساس؛ جستار حاضر غایت انگاری حقوق بین‌الملل را فرضی مردود می‌شمارد. حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی باید بتواند واقعیت و قدرت شرکت‌های فراملی به رشته نظم درآورد و ضامن کرامت ذاتی آدمیان در مقابل موارد مکرر نقض موازین حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی باشد.

بند دوم: چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل

الف) بیان مفهوم: چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل مشتمل بر ارزش‌ها و غایات عقلانی جامعه بین‌المللی است. تحقق ارزش‌های حقوق بشری؛ حقوق محیط زیستی و ارزش‌های مرتبط با حق بر بالندگی ملل از زمره ارزش‌هایی است که حقوق بین‌الملل باید حافظ آن‌ها باشد.

۲۸. هدایت الله، فلسفی؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، منبع پیشین، ص ۴۶.

در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی؛ چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل متضمن ارزش‌های نوظهوری است که رفتار بایسته شرکت‌های فراملی را تعیین می‌نماید. (Lex Ferenda responsibility)

چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل در سیاق خاص مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی مشتمل بر اخلاق جهان‌شمولی (Global ethics) است که در حوزه بازرگانی بین‌المللی ظهور پیدا کرده است؛ در این چارچوب مرزهای غایی رفتارهای شرکت‌های فراملی تحدید می‌شود.

ب) حقوق نرم و یا قوام نیافته^{۲۸}: حقوق نرم حقوقی است که ابزار تصدیق یا مضمون آن قوام نیافته باشد.^{۲۹} حقوق نرم و یا قوام نیافته به مثابه موضع تجلی چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل بستر ارزشمندی را فراهم آورده است که حقوق بین‌الملل می‌تواند سرزمین آن را نقطه عزیمت توسعه تدریجی و پیش‌رونده خود قرار دهد. به اعتقاد هدایت الله فلسفی:

«حقوق نرم جهت رشد و توسعه حقوق بین‌الملل را معین می‌دارد و نهایتاً اراده دولت‌ها را در مسیری بخردانه به حرکت در می‌آورد»^{۳۰} حقوق نرم منبعی است که حقوق بین‌الملل را به سمت و سویی متعالی هدایت می‌کند. به همین سبب؛ در اطراف قاعده سخت توده‌ای متراکم از قواعد جایگزین به وجود می‌آورد. حقوق نرم در غالب موارد؛ مرز میان الزام و عدم الزام را از میان می‌برد که البته این برای سوق دادن قاعده جاری به طرف قاعده مطلوب امری است ضروری ...^{۳۱}

29. Soft Law.

۳۰. همان، ص ۴۴۳.

۳۱. همان، ص ۴۴۴.

۳۲. همان، ص ۴۵۰.

آیین‌های خودگردان شرکت‌های فراملی؛ طرح‌های سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و اعلامیه‌ها و اصول راهنمای سازمان‌های بین‌المللی در زمره اسناد حقوق نرم و یا قوام نیافته‌ای هستند که هدف جمله آن‌ها تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و یا تحقق محدودیت‌های حقوق بشری در حوزه رفتار بازرگانی بین‌المللی است. از آن‌جا که حقوق بین‌الملل موضوعه فاقد رژیم جامع؛ کامل و مستقل پیرامون مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی است؛ در صورتی که حقوق بین‌الملل موضوعه بخواهد به سمت و سوی تحقق رژیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها حرکت نماید باید حقوق نرم و یا قوام نیافته را نقطه عزیمت توسعه خود قرار دهد. حقوق نرم یا قوام نیافته می‌تواند شکاف و خلاء موجود میان چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل موضوعه را پر نماید.

ج) عناصر ذاتی و مقوم چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل

بند اول: عدالت: رسالت حقوق بین‌الملل

عدالت اقتضا دارد که میان منافع متغایر و متضاد توازن به‌وجود آید. از آن‌جا که عدالت آرمان همه نظام‌های حقوقی است؛ حقوق بین‌الملل باید بتواند خودخواهی‌های فردی را متعادل کند و میان منافع فردی و جمعی سازگاری و آشتی به‌وجود آورد. به عبارت دیگر؛ رسالت حقوق بین‌الملل تنها در سرزمین بی‌کران عدالت معنا پیدا می‌کند و نظم حقوقی موجود را مسئول ایجاد سازگاری و سازش میان منافع متضاد می‌نماید.

از دیدگاه هدایت الله فلسفی:

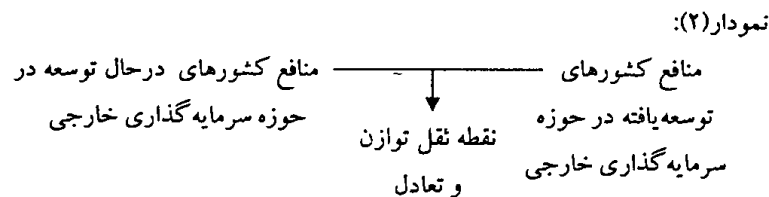
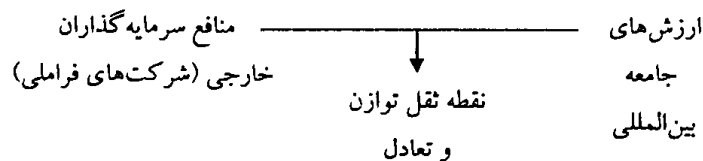
«عدالت؛ چه لاهوتی باشد، چه ناسوتی، معبر تناسب یا نوعی انطباق و هم‌رنگی است.

عدالت همانند خیر مشترک، به معنای هماهنگی میان اجزاء یک پیکر است.^{۳۳} بر این اساس؛ حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی باید میان منافع و ارزش‌های متزاحم ذیل توازن و تعادل ایجاد نماید:

(۱) میان منافع سرمایه‌گذاران خارجی (شرکت‌های فراملی) و ارزش‌های جامعه بین‌المللی تعادل و توازن ایجاد نماید.

(۲) میان منافع کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی تعادل و توازن ایجاد نماید.

نمودار (۱):

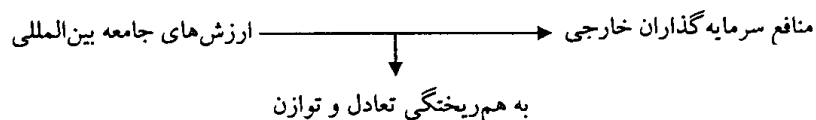


در صورتی که حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی بتواند میان منافع متضاد و متغایر ایجاد توازن و تعادل نماید؛ میان اجزاء پیکره آن هم‌رنگی؛ تناسب و انطباق

۳۳. هدایت الله، فلسفی؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، همان منبع، ص ۵۷.

حاصل می‌شود.

در حال حاضر؛ میان اجزاء پیکره حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی هیچ‌گونه هم‌رنگی؛ تناسب و انطباقی به چشم نمی‌خورد و نقطه ثقل تعادل آن در جهت تضمین منافع سرمایه‌گذاران خارجی و کشورهای در حال توسعه نامتوازن شده است. نمودار (۳):



به‌علاوه، از آن‌جا که هدف از جستار حاضر ارزیابی انتقادی حقوق بین‌الملل است؛ مفهوم عدالت میزان سنجشی را به دست می‌دهد که با آن می‌توان حقوق بین‌الملل موضوعه در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی را نقد کرد و اعتبار آن را مورد مناقشه قرار داد. هدایت الله فلسفی در همان کتاب در جای دیگری می‌نویسد:

«عدالت در هر جامعه مقامی فراتر از نظام حقوقی دارد، و به همین سبب، در هر بخش از جهان، عدالت ملاک آرمانی سنجش اعتبار نظام حقوقی، و مقیاس انتقادی حقوق موضوعه و محرک تکامل جامعه است»^{۳۳}

عدالت در سرتاسر نوشتار حاضر ما را یاری می‌کند تا به مدد مقیاس سنجش انتقادی آن، اعتبار حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی را به چالش کشیم. همان‌طور که در متن رساله خواهیم دید حقوق بین‌الملل موضوعه نه می‌تواند میان منافع شرکت‌های چند ملیتی و جامعه مشترکات بین‌المللی آشتی و سازش ایجاد نماید و نه یارای آن را دارد

۳۴. همان، ص ۷۵.

که میان منافع کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته توازن و تعادل مطلوب ایجاد نماید.

بند دوم: توسعه پایدار: ارزش انضمامی مفهوم کلی و مجرد عدالت

عدالت علی‌رغم دارا بودن مضامینی عالی و بلند؛ مفهومی کلی و مجرد است. مفهوم عدالت برای تحقق وجودی خود نیازمند مجموعه مفاهیمی انضمامی است که بر پیکره آنگون عدالت جامه مضامین ارزشی بر تن نماید. توسعه پایدار ارزشی بنیادی است که با پیوستن به مفهوم کلی و مجرد عدالت موجب تحقق وجودی آن می‌شود. توسعه پایدار عامل ایجاد توازن و تعادل میان ارزش‌ها و منافع متزاحم در جامعه بین‌المللی است. توسعه پایدار تنها ترکیبی ساده و عددی از ارزش‌های عقلانی جامعه بین‌المللی نیست؛ پایداری مفهومی است که در هیئت آن ارکان سه‌گانه محیط زیست؛ حقوق بشر و حقوق توسعه انطباق و هم‌رنگی می‌پذیرند و در قالبی متناسب و موزون ادغام می‌گردند. از همین رو است که توسعه پایدار عامل ایجاد سازش و آشتی میان منافع نسل‌های حاضر و نسل‌های آتی می‌شود و میان آن‌ها انطباق و هم‌رنگی ایجاد می‌کند.

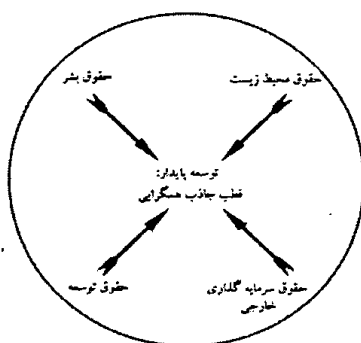
ماده ۵ اعلامیه ژوهانسبورگ حقوق محیط زیست؛ حقوق بشر و توسعه اقتصادی را ارکان سه‌گانه توسعه پایدار معرفی می‌نماید. در همین راستا؛ حوزه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ حقوق بین‌الملل توسعه و حقوق سرمایه‌گذاری خارجی باید با یکدیگر تعاملی هم‌گرایانه داشته باشند تا به این وسیله میان ارزش‌های متزاحم سازگاری و سازش ایجاد شود.

در حال حاضر به نظر می‌رسد میان حوزه‌های چهارگانه حقوق سرمایه‌گذاری خارجی؛ حقوق بشر؛ حقوق محیط زیست و حقوق بین‌الملل توسعه به‌جای هم‌گرایی نوعی واگرایی وجود دارد و حوزه‌های مذکور چونان کودکانی گریزپای از یکدیگر می‌گریزند.

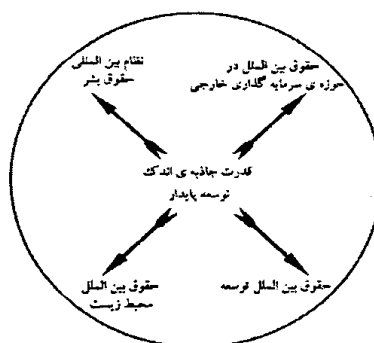
نمودار شماره (۴):

وضعیت مطلوب

توسعه پایدار: همگرایی



نمودار ش ۵: وضعیت موجود: واگرایی



به عبارت دیگر؛ توسعه پایدار باید همچون قطبی جاذب؛ کانون همگرایی حوزه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل باشد. برای وضوح بیش‌تر مطلب؛ حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل باید مانند محورهای پیکانی باشند که جملگی به سوی مرکز شعاع دایره در حرکت‌اند. متأسفانه؛ در حال حاضر حوزه‌های چهارگانه حقوق بین‌الملل محورهای پیکانی را می‌مانند که به سمت و سوی محیط خارجی دایره در حرکت‌اند.

توسعه پایدار با اندرون غنی خود از یک سو خود بستر توسعه آتی حقوق بین‌الملل را فراهم آورده است و از سوی دیگر مقیاسی را فراهم آورده است که می‌توان با استفاده از آن چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل را به رشته نقد درآورد.

بند سوم: چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل

«حقوق موضوعه» یعنی مجموعه مقرراتی که در عرصه یک نظام حقوقی معین از اعتبار برخوردار باشند. چنین مقرراتی باید بر اساس شیوه‌های ایجاد یا اصلاح یا تغییری که آن نظام پیش‌بینی کرده است؛ به وجود آمده باشد. از آن‌جا که حقوق بین‌الملل بر انتزاع ساده مبتنی نیست، بلکه بر واقعیاتی معین تکیه دارد، خود سیستم حقوق موضوعه است.^{۳۳}

الف) منابع شکلی و یا صوری حقوق بین‌الملل

ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری، به تقلید از اساس‌نامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، منابع صوری حقوق بین‌الملل را به ترتیب زیر معین کرده است:
الف) معاهدات عام یا خاص بین‌المللی که به سبب آن‌ها قواعد و مقرراتی پدید آمده است و طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً پذیرفته‌اند.

۳۵. هدایت الله، فلسفی؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، همان منبع، ص ۴۸۸.

ب) عرف بین‌المللی که حاکی از عملکرد عمومی دولت‌ها است و به صورت قاعده حقوقی پذیرفته شده است.

ج) اصول کلی حقوق که همه کشورهای متعّدن جهان بر سر آن‌ها همداستانند.

د) رویه قضایی و آموزه برجسته‌ترین صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل کشورهای مختلف جهان، در حدّ ابزاری کمکی برای تعیین حدّ و حدود قواعد حقوقی.^{۳۵}

در سیاق خاصّ تحقیق حاضر؛ با تکیه بر منابع شکلی و یا صوری حقوق بین‌الملل به‌ویژه معاهدات و عرف بین‌المللی داده‌های ذیل را استخراج کرده‌ایم:

۱) با تکیه بر منابع صوری حقوق بین‌الملل - خاصه معاهدات و عرف بین‌المللی - حدّ

و حدود و دامنه حقوق و آزادی‌های سرمایه‌گذاران خارجی معین می‌شود.

۲) با تکیه بر منابع شکلی حقوق بین‌الملل؛ محدودیت‌ها و یا مسئولیت‌های بالفعل

شرکت‌های فراملی (Lex lata responsibility) معین می‌شود.

چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل؛ چارچوبی توصیفی را به‌دست می‌دهد که در آن

محدودیت‌های حقوق بشری شرکت‌های فراملی به همان نحو که هست توصیف می‌گردد و نه به همان نحو که باید باشد.

بنابراین منابع صوری و یا شکلی حقوق بین‌الملل - به‌ویژه معاهدات و عرف بین‌المللی

- در تحقیق حاضر از اهمیت شایانی برخوردارند و با استفاده از آن‌ها می‌توان حقوق؛

آزادی‌ها و محدودیت‌های شرکت‌های فراملی را توصیف نمود و سپس آن‌ها را در مقابل

چارچوب ارزشی و بایسته حقوق بین‌الملل قرار داد.

در سیاق خاصّ تحقیق حاضر؛ اصول کلی حقوق به عنوان منبع مستقل حقوق

بین‌الملل از اهمیت شایانی برخوردار است. اصول کلی حقوق به عنوان مجموعه اصول

۳۶. ترجمه به نقل از: هدایت الله، فلسفی؛ حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو؛ تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۰-

کلی نظام‌های ملی جهان شاه راهی است که از مجرای آن اصول حقوق طبیعی به بدنه حقوق بین‌الملل موضوعه راه پیدا می‌کنند.^{۳۶}

از آن‌جا که منابع اصلی حقوق بین‌الملل موضوعه (معاهدات و عرف بین‌المللی) فاقد بنیادهای ضروری اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی است؛ اصول کلی حقوق با بهره‌مندی از اصول عقلانی همچون اصل جبران خسارت ناروا می‌تواند در آینده بستر تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را فراهم آورد. اصول کلی حقوق به عنوان ترجمان حقوق طبیعی مجموعه اصولی است که اولاً و به حکم عقل (a priori) صادق است و وجدان حقوق ملل صحت آن را تصدیق می‌کند.^{۳۷} بر همین اساس اصل عقلانی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مؤسسات بازرگانی را می‌توان مفهومی دانست که از ضرورت‌های طبیعی و عقلانی جامعه بین‌المللی نشئت می‌گیرد و در صورتی که اراده دولت‌ها آن را مورد شناسایی؛ تصدیق و تضمین قرار دهد حقوق بین‌الملل گام استواری را در جهت رسیدن به آرمان عدالت خواهد برداشت.

ب) نظام‌های حقوق ملی

نظام‌های حقوق ملی نیز در پژوهش پیش رو از اهمیت برخوردارند. از آن‌جا که حقوق بین‌الملل فاقد مرجعیتی فراملی برای اجرا و تضمین قواعد و مقررات بین‌المللی است؛ این مهم به نظام‌های حقوق ملی واگذار شده است. نظام‌های ملی دولت‌های میزبان و صادرکننده سرمایه با تمهید ابتکارات تقنینی؛ قضایی و اجرایی می‌توانند گام‌های استواری

۳۷. هدایت الله، فلسفی؛ حقوق بین‌الملل معاهدات، همان منبع، ص ۱۰.

۳۸. نگاه کنید به: هدایت الله، فلسفی؛ تأملاتی در مفاهیم حق، صلح و منزلت انسانی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۰.

را در جهت تحقق محدودیت‌های حقوق بشری شرکت‌های فراملی بردارند.^{۳۸} همان‌طور که در فصل اول از قسمت دوم مقاله خواهیم دید، دولت‌های میزبان با تمهید ابتکارات نوین قضایی همانند نهاد PIL^{۳۹} در جنوب آسیا توانسته‌اند گام‌هایی هر چند ناقص در جهت مسئولیت‌های حقوق بشری سرمایه‌گذاران خارجی بردارند. دولت‌های صادرکننده سرمایه نیز با اعمال صلاحیت فراسرزمینی و با ایجاد امکان طرح دعاوی فراملی همانند قانون ATCA^{۴۰} در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی نقش ایفا می‌کنند. با وجود این؛ همان‌طور که خواهیم دید کنترل مؤسسات بازرگانی فراملی به وسیله دولت‌های میزبان و صادرکننده سرمایه با محدودیت‌ها، موانع و چالش‌های متعددی مواجه است، که به خوبی محدودیت‌های ساختار پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل را ترسیم می‌کنند.

ک) گپ ساده فلسفی: جدال عقل سلیم با پوزیتیویسم

از دیدگاه فیلسوف شهیر اتریشی، لودویگ ویتگنشتاین (۱۸۹۹-۱۹۵۱)؛ کار روزانه ما این است که کاربردهای متافیزیکی واژگان را به کاربردهای اجتماعی و روزمره آن تبدیل نماییم. بر این اساس؛ درک مفاهیم برخاسته از نظام زبانی تنها با نظریه تصویر زبانی قابل درک نیست؛ بالعکس درک مقولات زبان شناختی مستلزم کنش فعال اجتماعی و داخل شدن در نوعی بازی زبانی است.^{۴۱}

۳۸. برای مطالعه درباره نظارت دولت‌های میزبان و دولت‌های صادرکننده سرمایه نگاه کنید به:

See M. SomaraJah, The international law on Foreign investment, CUP, Cambridge, 2004, Chapter 3 and 4.

40. Public interest litigation.

41. Alien tort claim Act.

۴۲. لودویگ، ویتگنشتاین؛ پژوهش‌های فلسفی، ترجمه فریدون فاطمی، با درآمد بابک احمدی، تهران،

بر این اساس؛ اگر حقوق بین‌الملل موضوعه را مجموعه‌ای از گزاره‌های زبانی (قضایای دستوری) فرض نماییم؛ درک مفاهیم زبانی آن تنها با رجوع به متن معاهدات و اسناد بین‌المللی حاصل نخواهد شد.

برای مثال؛ در میاق خاص تحقیق حاضر؛ اگر بخواهیم مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را از چارچوب تنگ حقوق موضوعه استخراج نماییم، جز مثنی قوانین متشتت و پراکنده چیزی نصیب ما نخواهد شد. درک مفاهیم برخاسته از عقلانیت اجتماعی (همانند مسئولیت حقوق بشری شرکت‌ها و مؤسسات بازرگانی) مستلزم ورود به سرزمین واقعیات؛ ارزش‌ها؛ دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی است که در پس زمینه چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل قرار دارند.

نیز بر همین قیاس؛ در صورتی که دولتمردان و صاحبان قدرت و اراده^{۴۲} چشمان خود را به روی تحولات نوظهور جامعه بین‌المللی ببندند و تنها به مثنی از قوانین و مقررات اکتفا نمایند، صیاد لاغری را مانند که به صید نهنگ رفته باشد!!! حاشا سعادشان....

قسمت اول: مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی در حقوق

بین الملل

فصل اول: تمهید نظریه کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی در

حقوق بین الملل

بخش یک - مفهوم و سیاق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی

مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی منبعث از نگرانی‌های متداول جامعه بین‌المللی در خصوص مخاطرات و تهدیداتی بوده است که شرکت‌های فراملی در جامعه

←
نشر مرکز، ۱۳۸۹.

43. Voluntarism.

جهانی ایجاد می‌کنند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی و یا ضرورت تحقق محدودیت‌های حقوق بشری به این معنا است که شرکت‌های فراملی از آن جهت که از مواهب جامعه بین‌المللی برخوردارند و از حقوق و آزادی‌های جامعه بین‌المللی در فعالیت‌های اقتصادی‌شان بهره‌مند می‌شوند، در مقابل جامعه بین‌المللی، مسئولیت دارند و باید نسبت به رعایت، احترام و ارتقا حقوق بشر همت گمارند. در واقع مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی تعهدی متقابل (quid pro quo) در مقابل حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی است که به نحوی بالفعل در حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. جنبش مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی خواهان تصدیق، اعمال و تضمین مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی بر اساس نظام بین‌المللی حقوق بشر است. جنبش‌های اجتماعی که خواهان تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی هستند معتقدند که تحقق حکومت قانون در عرصه روابط اقتصادی بین‌المللی بدون تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در چارچوب گفت‌وگوهای هنجاری حقوق بشری محقق نخواهد شد. به عبارت دیگر، روابط اقتصادی در جهان معاصر نمی‌تواند و نباید تنها بر اساس قانون عرضه و تقاضا نظم پیدا کند و تحقق عدالت توزیعی در جهان بدون تخصیص منطقی حقوق و مسئولیت‌ها محقق نخواهد شد.

مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل دو معنای گوناگون دارد: در چارچوب حقوق بین‌الملل موضوعه، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی بیانگر محدودیت‌های بالفعل و موجود شرکت‌های فراملی است. می‌توان از عبارت لاتین (Lex lata) در توصیف این نوع مسئولیت بهره جست، به عبارت دیگر در این چارچوب، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی به همان نحو که هست توصیف می‌گردد و نه همان نحو که باید باشد.

در چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی بیانگر مسئولیتی است که شرکت‌های فراملی باید در جامعه بین‌المللی داشته باشند. در این

چارچوب، شرکت‌های چند ملیتی (Lex Ferenda responsibility) دارند.

چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل که ترسیم‌کننده مسئولیت بایسته شرکت‌های چند ملیتی است را بایستی در حقوق نرم و یا قوام نیافته جستجو کرد. طرح‌های جامعه مدنی، مقررات خودگردان شرکت‌های فراملی و اعلامیه‌های سازمان‌های بین‌المللی تلاش کرده‌اند تا مسئولیت شرکت‌های فراملی را به نحوی که باید باشد ترسیم کنند و تحقق آن را در زمره اشتغالات سازمانی‌شان قرار دهند.

بنابراین، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی محصول دیالکتیک حقوق موضوعه (به مثابه نهاد) از یک سو و ارزش‌های نوظهور جامعه بین‌المللی (به مثابه برابر نهاد) از سوی دیگر است.

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پدیداری است که اگرچه در بند نظام موضوعه است، اما میل طبیعی به گسترش خود در سرزمین عدالت، اخلاق، ارزش‌ها و حکومت قانون دارد، به سراجی کوچک خود چشم قناعت ندارد و آزمندانه و محتاطانه به گشایش وجودی خود می‌اندیشد.

نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را می‌توان با دو مبنای نظری-فلسفی قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو^{۴۳} و «نظریه اعطای امتیاز»^{۴۴} توجیه عقلانی کرد. به نظر

۴۳. بر اساس این نظریه؛ میان جامعه جهانی و شرکت‌های فراملی نوعی قرارداد فرضی وجود دارد که بر مبنای آن، جامعه جهانی، شرکت‌های فراملی را از حقوق و آزادی‌هایی که لازمه زیست اجتماعی شرکت-است بهره‌مند می‌کند و در مقابل، شرکت‌های فراملی، خود را متعهد به تأمین انتظارات (ارزش‌ها) جامعه جهانی می‌نمایند.

نگاه کنید به: Janet, Dine, op. cit. p233.

۴۴. بر این اساس؛ دولت اعطاکننده اصلی شخصیت حقوقی شرکت است؛ این اعطای امتیاز، در سیاق وسیع‌تر و در حقیقت از سوی جامعه صورت گرفته است تا به این وسیله شرکت‌ها به تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی اقدام نمایند، مشروط به این که شرکت‌ها، در اقدامات خود انتظارات جامعه را مورد لحاظ

می‌رسد که هر دو نظریه‌های قرارداد اجتماعی و اعطای امتیاز در سیاق خاص نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی به یک اصل عقلانی بازگشت می‌کنند و آن اصل این است که: «مسئولیت، جزء ضروری حقوق است».^{۴۵}

از آنچه که با مطالعه ماهیت معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی^{۴۶}، معاهدات منطقه‌ای سرمایه‌گذاری خارجی^{۴۷} و موافقت‌نامه‌های چندجانبه مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی روشن می‌شود این است که حقوق بین‌الملل موضوعه در حوزه سرمایه‌گذاری

قرار دهند. بنابراین، تعهداتی که بر شرکت‌ها تحمیل می‌گردد از سیستم دولت نشئت می‌گیرد، اما این تعهدات، نتیجه انتظارات جمعی و فردی هستند. (concession theory)

45. «responsibility is the necessary corollary of a right» Case concerning the Barcelona traction , light and power company , limited , Belgium v. Spain , second phase judgement 1970 , para.36. cited in:

رها، لوسین زهاد؛ مسئولیت شرکت‌ها و بنگاه‌های بازرگانی فراملی در خصوص حقوق بشر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۴۶. در خصوص معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی گفته می‌شود که تعداد این معاهدات از ۷۰۰ معاهده در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۲۵۰۰ معاهده در آغاز هزاره سوم افزایش پیدا کرده است معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی را مورد حمایت قرار می‌دهند، مضمون این معاهدات مکانیزمی را در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در مقابل مداخلات خود سرانه دولت‌ها فراهم می‌آورد، هدف این معاهدات کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه است. حمایت از اموال سرمایه‌گذاران در مقابل مصادره و ملی‌سازی به هسته مرکزی این معاهدات شکل می‌دهد. نگاه کنید به:

Muchlinski , peter , handbook of international investment , op.cit. chapter 17.p.2. from The beginning of the chapter 17.

۴۷. در خصوص معاهدات منطقه‌ای؛ معاهدات نفتا (NAFTA) و آسه آن (ASEAN) در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت بسیاری برخوردارند. هدف اصلی از انعقاد این دو معاهده منطقه‌ای حمایت از حقوق و آزادی‌های سرمایه‌گذاران خارجی بوده است.

خارجی نسبت به شرکت‌های فراملی رویکردی حق-مدارانه دارد.^{۴۸} در قلمرو حقوق معاهدات مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، مسئولیت شرکت‌های فراملی در کنار حقوق و آزادی‌های این شرکت‌ها به نحوی متناظر، موازی و متقارن شکل نیافته است. آزادی منزلت و مکانت یافته، ولی مسئولیت در کنار آزادی منزلت نیافته است.

در حقوق بین‌الملل عرفی نیز داستان مشابهی وجود دارد، در این قلمرو نیز کلیه قواعد در جهت حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی گام برداشته است و در آن روح آزادی تجاری و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بر تن نحیف مسئولیت سرمایه‌گذاران خارجی غلبه کرده است.^{۴۹}

عدم وجود تناظر میان حقوق و مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی در کنار ضرورت تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی، محقق را به ضرورت تمهید نظریه کلی در این خصوص سوق می‌دهد.

گزاره منطقی «شرکت‌های فراملی باید مسئولیت داشته باشند»، گزاره‌ای نیست که با استقراء در قواعد موضوعه مشتت حقوق بین‌الملل استخراج شود، بلکه این گزاره منطقی ریشه در ارزش‌های نوشونده، پویا و زنده حقوق بین‌الملل دارد و جملگی این ارزش‌ها محقق را به ضرورت تمهید نظریه کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی سوق

48. Right-based approach.

۴۹. به عنوان نمونه؛ بر طبق قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ دولت‌ها مکلف هستند که در صورت مصادره و یا ملی سازی اموال سرمایه‌گذاران خارجی؛ به آن‌ها غرامت مناسب پرداخت کنند. وجود استانداردهای حداقلی برخورد با بیگانگان به همراه طرح مسئولیت بین‌المللی در صورت نقض این استانداردها و همچنین امکان مطرح شدن حمایت دیپلماتیک از سرمایه‌گذار خارجی نشان می‌دهند که حقوق بین‌الملل عرفی نیز در جهت حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی گام برداشته است و در آن روح آزادی تجاری و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بر تن نحیف مسئولیت سرمایه‌گذاران خارجی غلبه کرده است.

می‌دهد.

بخش دو- مبنای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی در حقوق بین‌الملل موضوعه

در حقوق بین‌الملل موضوعه، دو رژیم عمده راجع به مسئولیت وجود دارد: اولین و مهم‌ترین رژیم، رژیم مسئولیت دولت و یا مسئولیت بین‌المللی^{۵۱} در حقوق بین‌الملل است و دومین رژیم مسئولیت، رژیم مسئولیت فرد در حقوق بین‌الملل^{۵۲} است که حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر دوستانه موضع تجلی آن می‌باشد. هر دوی این رژیم‌ها با مسئولیت شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل مرتبط است. دولت‌ها در صورتی که در نقض حقوق بشر با شرکت‌های فراملی مشارکت و یا معاونت نمایند و یا در جلوگیری از نقض حقوق بشر به وسیله شرکت‌های فراملی کوتاهی نمایند، مسئولیت بین‌المللی دارند. همچنین مدیران شرکت‌های فراملی در صورتی که یکی از جرائم مصرّح در حقوق بین‌الملل کیفری و یا حقوق بشردوستانه را مرتکب شوند، در حقوق بین‌الملل مسئول تلقی می‌شوند. به‌طور کلی مسئولیت شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل به نحوی مستقیم و مستقل وجود ندارد. با تمسک به رژیم‌های موجود در حقوق بین‌الملل تنها و تنها می‌توان مسئولیت شرکت‌های فراملی را به نحوی غیرمستقیم استوار کرد.

در این میان، رژیم مسئولیت بین‌المللی نه تنها یارای ایجاد توازن و تعادل میان منافع کشورهای صادرکننده سرمایه و مسئولیت این کشورها را ندارد، با واقعیت‌های جهان معاصر که در آن قدرت دولت‌ها در حال افول است همخوانی ندارد.

رژیم مسئولیت فرد در حقوق بین‌الملل نیز نه تنها یارای در برگرفتن جملگی

51. State responsibility or international responsibility.

52. Individual responsibility in public international law.

ارزش‌های حقوق بشری را ندارد، از فقدان توجه به شخصیت حقوقی شرکت‌های فراملی به عنوان واقعیت‌های پررنگ جهان معاصر رنج می‌برد.^{۵۲}

در مقابل، نظام ارزشی حقوق بین‌الملل حاوی رژیم مستقل و مستقیم مسئولیت شرکت‌های فراملی است. در اسناد نرم و یا قوام نیافته مرتبط با مسئولیت شرکت‌های فراملی نه تنها تصدیق وجود شناسانه شخصیت حقوقی شرکت‌ها به عنوان واقعیت‌های پررنگ جهان معاصر صورت گرفته است، بر مسئولیت همه دولت‌ها در تحقق حقوق بشر انگشت تأکید نهاده شده است و این مهم تنها بر دوش دولت‌های واجد صلاحیت سرزمینی و نهاده نشده است.^{۵۳}

«حقوق نرم» با پرکردن شکاف و خلاء موجود در حوزه رژیم مسئولیت دولت و رژیم مسئولیت فرد، بستر توسعه آتی حقوق بین‌الملل را فراهم آورده است. حقوق نرم و یا قوام نیافته برآیند واقعیت‌ها و ارزش‌های جامعه بین‌المللی است، از همین رو، است که واقعیت‌های پررنگی که در ساختار پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل انعکاس مناسبی ندارند در

۵۳. در بند ۱ ماده ۲۵ اساسنامه رم آمده است که: «دیوان مطابق این اساسنامه در برابر جرائم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت».

برای مثال نگاه کنید به: ماده ۱ از مجموعه قواعد سازمان ملل متحد راجع به مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر بنگاه‌های بازرگانی در خصوص حقوق بشر:

States have the primary responsibility to promote, secure the fulfilment of, respect, ensure respect of and protect human rights recognized in international as well as national law, including ensuring that transnational corporations and other business enterprises respect human rights. Within their respective spheres of activity and influence, transnational corporations and other business enterprises have the obligation to promote, secure the fulfilment of, respect, ensure respect of and protect human rights recognized in international as well as national law, including the rights and interests of indigenous peoples and other vulnerable groups.

حقوق نرم و یا قوام نیافته انعکاس مناسبی پیدا می‌کنند. همچنین ارزش‌هایی همانند تکلیف همه‌ی دولت‌ها به حمایت و ارتقاء حقوق بشر که در ساختار پوزیتیستی حقوق بین‌الملل در سیطره مفاهیمی همچون صلاحیت سرزمینی کم اهمیت انگاشته شده‌اند در حقوق نرم و یا قوام نیافته جایگاه والایی یافته‌اند.

بخش سه- شخصیت حقوقی بین‌المللی شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل: شرط لازم تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی

استقرار رژیم مستقل و مستقیم مسئولیت شرکت‌های فراملی مستلزم بهره‌مندی شرکت‌ها از شخصیت حقوقی بین‌المللی است. وجود و یا فقدان شخصیت حقوقی بین‌المللی ضرورتاً ماهیت و گستره مسئولیت شرکت‌های فراملی را در سطح بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نقطه نظر توسعه عادلانه، منصفانه و پایدار، تحمیل تکالیف حقوق بشری به شرکت‌های فراملی در صورتی آسان‌تر است که شرکت‌های فراملی جایگاه مشخصی داشته باشند. به عبارت دیگر، به منظور ایجاد و استقرار نظام جامع و کامل مسئولیت شرکت‌های فراملی این امر ضروری است که شرکت‌های فراملی از میزانی از شخصیت حقوقی بین‌المللی بهره‌مند گردند به نحوی که بتوانند اولاً به کارکرد تجاری خود در جامعه بین‌المللی ادامه دهند و ثانیاً به ارزش‌های متعالی جامعه بین‌المللی احترام گذارند.

با وجود این، در حال حاضر شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل موضوعه از جایگاه حقوقی متشتت، پریشان، نامتقارن و ناپایداری برخوردارند. در حقوق بین‌الملل موضوعه تنها دولت‌ها از شخصیت حقوقی بین‌المللی به نحوی کامل و مطلق برخوردارند. سایر تابعان حقوق بین‌الملل از قبیل سازمان‌ها، اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تنها از

مجرای اراده دولت‌ها در حقوق بین‌الملل مجال حضور پیدا می‌کنند.^{۵۴} در مقابل، در «حقوق نرم» شخصیت حقوقی بین‌المللی شرکت‌های فراملی به رسمیت شناخته شده است. اسناد نرم و قوام نیافته راجع به مسئولیت شرکت‌های فراملی، شرکت‌ها را به نحوی صریح و مستقیم مخاطب تعهدات حقوق بشری قرار داده‌اند. از این منظر، حقوق نرم و یا قوام نیافته که آینه شفاف واقعات جامعه بین‌المللی است، می‌تواند در توسعه تدریجی، آتی و پیش رونده حقوق بین‌الملل نقش داشته باشد.

فصل دوم: صورت بندی مضمون مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در

چارچوب مفهومی توسعه پایدار

پس از فراغت از رکن اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی، نوبت به مضمون مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل می‌رسد. توسعه‌ی پایدار به عنوان ارزش انضمامی مفهوم کلی و مجرد عدالت مفهومی است که در چارچوب آن مضامین حقوق بشری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به بهترین شکل ممکن توزیع منطقی پیدا می‌کند. هدف توسعه پایدار ایجاد توازن و تعادل میان ارزش‌ها و منافع متزاحم است. بر این اساس، در چارچوب مفهوم توسعه پایدار ارزش‌های محیط زیستی، حقوق بشری و ارزش‌های پیرامون حقوق بین‌الملل توسعه در قالب هئیتی واحد متعادل و متوازن می‌شوند. توسعه پایدار بر سه رکن بنیادین استوار است:

حقوق محیط زیست.

حقوق بشر.

حقوق توسعه.

55. Shyami; puvimanasinghe; OP.Cit.p61.

بخش یک - حقوق بین الملل محیط زیست: مام زمین مقدس و رویای آشفته مسئولیت زیست محیطی

شرکت‌های فراملی در بهره‌برداری از منابع جهان سهم عمده‌ای دارند و می‌توانند تأثیرات مخربی بر منابع زیست محیطی داشته باشند. تولید گازهای گلخانه‌ای، سموم، مواد و پساب‌های خطرناک صنعتی تنها نمونه‌های اندکی از فعالیت‌های مخرب شرکت‌های فراملی است.^{۵۵} برای نمونه، در آستانه دهه نود میلادی این واقعیت آشکار شد که شرکت‌های فراملی بیش از ۵۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای را در جهان تولید می‌کنند.^{۵۶} شرکت‌های چند ملیتی به‌طور فزاینده‌ای درگیر بهره‌برداری از منابع تجدیدپذیر و غیر قابل تجدید در جهان هستند، این شرکت‌ها چاه‌های نفتی و معادن را حفر می‌کنند و موجب فرسایش جنگل‌ها می‌شوند.^{۵۷} به علاوه، شرکت‌های فراملی مسئول تولید بیشترین مقادیر مواد شیمیایی خطرناک و پساب‌های صنعتی هستند.^{۵۸} تنها فعالیت‌های شرکت نفتی تگزاکو (Texaco) در دهه نود میلادی در کشور اکوادور، آلودگی شدید آب‌ها، فرسایش انبوه جنگل‌ها، بهره‌برداری ناعادلانه از منابع و فرسایش وسیع خاک‌ها را به دنبال خود داشت.^{۵۹} فعالیت‌های این شرکت منجر به ورود ۴۶۴ میلیون بشکه پساب‌های صنعتی آلوده

۵۵. برای مطالعه درباره فعالیت‌های مخرب شرکت‌های فراملی و تأثیرات آن بر محیط زیست نگاه کنید به:

D. Santillo and p. Johnston, 'Ethical Standards and principles of Sustainability.'

56. UN Commission on Transnational Corporations (UNCTC), Climate change and Transnational Corporations: Analysis and Trends (Geneva: UN, 1993); Cited in UNCTAD, Environmental management in Transnational Corporations. Report on the Benchmark corporate Environmental Survey (New York: UN, 1993) 101.

57. Ibid 153.

59. Ibid 97.

60. Inter-American Commission on Human Rights, Report on the situation of Human Rights in Ecuador, OEA/Ser. LV/II. 96, doc. 10 rev. 1, 24 April 1997. Cited in: Elisa ,

به رودخانه‌های این کشور شد و رودخانه‌های کشور پرو را نیز آلوده ساخت.^{۵۰} فعالیت‌های شعبه‌ی فرعی شرکت استرالیایی در پاپوآ گینه نو، دفع سالانه ۳۰ میلیون تن زباله‌ی معدنی و ۴۰ میلیون تن تفاله سنگی در رودخانه اکی تدی (ok Tedi) را به همراه داشت.^{۶۰} زمین، مادر زمین که وحی از بستر آن بر می‌خیزد از این همه به ستوه آمده، خواب‌های آشفته می‌بیند و رؤیاهای پراکنده‌ای در سر می‌پروراند. آیا حقوق بین‌الملل محیط زیست خواهد توانست التیامی بر رنج‌های دیرین بستر آدمیان و همدم آسمان باشد و رؤیای مام زمین مقدس را تحقق بخشد؟

در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست، بسیاری از حقوق‌دانان نظام ارزیابی تأثیرات زیست محیطی - مندرج در اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم -^{۶۱} را سنگ ستون حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌شمار می‌آورند. بر اساس این اصل، پیش از شروع پروژه صنعتی تأثیرات زیست محیطی آن پروژه مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد و در صورتی که پروژه موجب ورود خسارات زیست محیطی شود از انجام پروژه جلوگیری خواهد شد.

MorGeRA, Corporate Accountability in international environmental law, Oxford University press. 2009, p 7.

۶۱. برای مطالعه پیرامون این پروژه و آثار مخرب زیست محیطی آن نگاه کنید به:

W. pintz , 'Environmental negotiations in the ok Tedi Mine in papua new Guinea', in C. pear Son (ed), Multinational corporations, Environment, and the third world (Durham: Duke UniverSity press, 1987, 35).

Principle 21 Stockholm declaration 1972:

States have, in accordance with the Charter of the United Nations and the principles of international law, the sovereign right to exploit their own resources pursuant to their own environmental policies, and the responsibility to ensure that activities within their jurisdiction or control do not cause damage to the environment of other States or of areas beyond the limits of national jurisdiction.

با وجود این، اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم از هر گونه قدرت هنجارین و الزام‌آور بی‌بهره است.

این اصل در عمل نتوانسته است به ایجاد الزام مؤثر در واداشتن کشور ناقض حقوق محیط زیست برای ملحوظ کردن دیدگاه کشور در معرض آسیب نائل آید. به تعبیر ادبی، سیمای اسطوره‌ای و غیر واقعی اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم نمی‌تواند رهایی‌بخش گهواره خردپرور منظومه ما از مخاطرات زیست محیطی باشد.^{۶۲}

همچنین، کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی قلمروی موضوعی محدودی دارند.^{۶۳} پاسخ جزئی، محدود و خرد رژیم مسئولیت مدنی زیست محیطی در حقوق بین‌الملل نمی‌تواند دل ناآرام زمین را آرام گرداند.^{۶۴} به علاوه، نظام مسئولیت کیفری در رابطه با جرائم زیست محیطی تنها به زمان جنگ محدود می‌شود و هیچ گونه رژیم مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل، تخریب وسیع، شدید و گسترده زیست محیطی را در زمان صلح جرم انگاری ننموده است.^{۶۵}

62. John H. Knox; The Myth and reality of transboundary Environmental Impact Assessment , American Journal of international law, 2002, p291.

۶۳. در خصوص مسئولیت مدنی نسبت به خسارات زیست محیطی چندین پیمان بین‌المللی وجود دارد که به طور مستقیم برای اشخاص خصوصی و شرکت‌ها مسئولیت مدنی در نظر گرفته است. کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی ۱۹۶۹ کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی تانکرهای حامل نفت ۲۰۰۱ کنوانسیون وین در مورد مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای از زمره پیمان‌های بین‌المللی هستند که مسئولیت مدنی زیست محیطی را به نحوی مستقیم بر اشخاص، افراد و شرکت‌ها تحمیل می‌کند.

64. Elisa; MorGera; Corporate accountability in international environmental law, Oxford University press 2009. p42.

65. Art.8(2)(b)(iv) Statute of the international Criminal Court: internationally launching an attack in the knowledge that Such an attack will Cause Wide spread long- time

در مجموع، نظر به حقوق بین‌الملل موضوعه در حوزه محیط زیست دل ناآرام زمین را ناآرام‌تر و رویای آشفته مام زمین مقدس را به اضطراب احلام بدل می‌سازد. با این وجود، زمین به نظام ارزشی حقوق بین‌الملل نظر دوخته است، چارچوب ارزشی که حقوق بین‌الملل می‌تواند توسعه خود را از بستر نرم و یا قوام‌یافته آن آغاز کند و به این وسیله رهایی بخش مام زمین مقدس از رویای آشفته خود باشد. «حقوق نرم» با در بر داشتن اصولی همچون اصل جلوگیری از آلودگی زیست محیطی^{۶۶}، اصل جبران خسارت زیست محیطی^{۶۷} و اصل احتیاط^{۶۸} به‌طور بالقوه می‌تواند تأثیر ژرفی بر توسعه آتی حقوق بین‌الملل محیط زیست داشته باشد.

بخش دو- نظام بین‌المللی حقوق بشر: کسوت انسانی بر پیکره توسعه

در حوزه نظام بین‌المللی حقوق بشر، توسعه‌ای که در رهگذر پویش شرکت‌های فراملی ایجاد می‌شود بایستی در نهایت شکل انسانی به خود بگیرد، در خدمت انسان قرار

and Sever environmental damage to the natural environment which would be clearly excessive in relation to the Concrete and direct overall military advantage anticipated , applying only to the international armed Conflicts.

۶۶. اصل جلوگیری از آلودگی زیست محیطی متضمن این معنا است که اشخاص بایستی از آلوده ساختن محیط زیست خودداری کنند؛ متعاقب این اصل فعالیت‌های صنعتی اشخاص نباید موجب خسارت و آلودگی درون مرزی و برون مرزی شود. (Preventive principle)

۶۷. اصل پرداخت خسارت که در اصل ۱۶ اعلامیه ریو مورد تصریح قرار گرفته است متضمن این معنا است که هزینه‌ها و خسارات ناشی از آلودگی باید بر دوش شخصی قرار گیرد که موجب به آلوده ساختن محیط زیست شده است. (polluter- pays principle)

۶۸. اصل احتیاط که در اصل ۱۵ اعلامیه ریو مورد تصریح قرار گرفته است متضمن این معنا است که هنگامی که خطری جدی، واقعی و خسارتی غیر قابل بازگشت وجود محیط زیست را تهدید می‌کند، بایستی از وقوع آن خسارت جلوگیری شود حتی در صورتی که نسبت به زیان‌بار بودن تهدید مورد بحث قطعیت علمی وجود نداشته باشد. (precautionary principle)

گیرد و ضامن کرامت ذاتی آدمیان باشد.

اکثر اسناد بین‌المللی که تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی را در خود جای داده‌اند ماهیتی نرم و قوام نیافته دارند، از این منظر این تعهدات در حال حاضر بیش از آنچه باید سیمای حقوقی داشته باشند، سیمای ارزشی دارند و از تضمین مؤثر برخوردار نیستند. واقعیت این است که شناسایی، تضمین و نظارت بر تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی در سطح بین‌المللی عقیم و بی‌نتیجه مانده است.^{۶۹}

اسناد بین‌المللی مرتبط با تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی ترکیب ناساز و ناهمگونی از تعهدات حقوق بشری و قواعد اخلاقی نوظهور در جامعه بین‌المللی است، این همامیزی باید در نهایت پیکری موزون و هماهنگ پیدا کند تا در رهگذر آن توسعه کسوت انسانی پیدا کند و منفعت جامعه انسانیت بر تن نماید.

با وجود این، «حقوق قوام نیافته» بستری غنی و پربار را فراهم آورده است که حقوق بین‌الملل می‌تواند بستر آن را نقطه عزیمت توسعه خود قرار دهد، به ارزش‌های موجود در سرزمین حقوق نرم و قوام نیافته قدرت هنجارین و الزام آور اعطا کند و با ارزش‌های مندرج در «حقوق نرم» از در دوستی درآید.

بخش سه - حقوق بین‌الملل توسعه: افسانه مسئولیت در جهان نابرابر

توسعه از زمره اهداف عالی و عقلانی جامعه بین‌المللی است. توسعه از جملہ ارزش‌هایی است که از ضرورت همبستگی در جامعه بین‌المللی نشئت می‌گیرد. حق بر توسعه را می‌توان نوعی حق بر فرآیند دانست، بنابراین، نظام حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی بایستی تضمین‌کننده فرآیند تدریجی و صعودی فعلیت یافتن حقوق

69. SHYAMI, Ferencando , puvimana Singhe, op. Cit. p 137.

و آزادی‌های اتباع کشورهای در حال توسعه باشد به عبارت دیگر، فعالیت‌های شرکت‌های فراملی نباید هیچ گونه خللی به بردار توسعه وارد آورد که در قوس صعود در زمان و مکان در حال حرکت است.

با وجود این، در مورد مضمون دقیق حق بر توسعه و همچنین طبیعت حق مذکور اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد و چارچوب هنجارین و الزام آور حق بر توسعه هنوز مشخص نیست.^{۷۰}

به علاوه، در قلمرو حقوق معاهدات راجع به سرمایه‌گذاری خارجی، در هیچ یک از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مقرره‌ای به منظور تضمین حق بر توسعه کشورهای میزبان پیش‌بینی نشده است.^{۷۱} حقوق بین‌الملل عرفی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی نیز فاقد هرگونه قاعده‌ای است که تضمین‌کننده روند تدریجی و صعودی فعلیت یافتن حقوق و آزادی‌های اتباع کشورهای در حال توسعه باشد.

در مجموع، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی فاقد نظامی به منظور تضمین حق بر توسعه دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاری خارجی است.

در مقابل، حقوق بین‌الملل توسعه منعکس‌کننده ارزش‌های منبعث از همبستگی است. حقوق بین‌الملل توسعه مشتمل بر ارزش‌هایی نوظهور است که غایت جملگی آن‌ها کاستن از شکاف میان شمال و جنوب و ریشه کن کردن فقر از پهنه جامعه بین‌المللی است. حقوق بین‌الملل توسعه که ماهیتی «نرم و یا قوام‌نیافته» دارد می‌تواند جهت توسعه حقوق بین‌الملل

70. Arjun , Sengupta , implementing the Right to development ; Nico Schriver and Friedle weiss (Eds.) , international law and sustainable development , principles and practice , C 2004 Koninklijke Brill NV. printed in the Netherlands , pp 341-377.

71. Somaraja; The international law on Foreign investment; Cambridge University press; 2004; Chapter 5; p 262.

را به سوی عدالت توزیعی مشخص نماید و افسانه مسئولیت در جهان نابرابر را در آینده‌ای دور تحقق بخشد.

قسمت دوم: مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی مسئولیت اجتماعی

شرکت‌های چند ملیتی

پس از تبیین اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تعیین مضامین آن، مکانیزم‌های تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی از اهمیت برخوردار است. به‌طور کلی به منظور تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل دو شیوه وجود دارد:

۱. مکانیزم اجرایی و نظارتی الزام‌آور (مکانیزم‌های ملی اجرایی و نظارتی)
۲. نظارت نرم و یا قوام نیافته بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی.

فصل اول: مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی الزام‌آور (مکانیزم‌های ملی

اجرایی و نظارتی)

بخش اول: نظارت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها توسط دولت میزبان

سرمایه‌گذاری خارجی

دولت‌های میزبان و صادرکننده سرمایه‌گذاری خارجی در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی نقش بنیادینی ایفا می‌کنند. در خصوص نقش دولت‌های میزبان در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی؛ اولاً دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاری خارجی حق بر کنترل شرکت‌های فراملی را دارند و ثانیاً واقعیت‌های جامعه‌شناختی خصوصاً در منطقه جنوب آسیا نشان دهنده این امر است که دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند با ابداع و ابتکار راه کارهای نوین قضایی از موارد نقض حقوق بشر به وسیله شرکت‌های فراملی بکاهند و در جهت توسعه پایدار گام بردارند. امکان طرح دعوی علیه

ناقضان حقوق بشر (به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی) در چارچوب نهاد PIL به خودی خود توانسته است از موارد نقض قواعد و مقررات حقوق بشر به وسیله شرکت‌های فراملی بکاهد و نظام حقوقی کشورهای جنوب آسیا را به عدالت نزدیک‌تر سازد.^{۷۲}

با وجود این، دولت‌های میزبان در راه نظارت مؤثر بر شرکت‌های فراملی با محدودیت‌ها و موانع زیادی روبه‌رو هستند. وجود معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری خارجی، معاهدات منطقه‌ای راجع به سرمایه‌گذاری خارجی،^{۷۳} حضور گسترده شرط تثبیت

۷۲. نهاد اقامه دعوی عمومی (PIL) می‌تواند نهاد اقامه دعوی به جهت استیفای منافع عمومی نام نهاده شود. در نظام حقوقی هندوستان؛ نهاد اقامه دعوا به منظور استیفای منافع عمومی نهادی است که در آن مدعی العموم برای احقاق منافع عمومی و اجتماعی دعوایی را اقامه می‌نماید. این دعوا لزوماً توسط شخص خسارت دیده اقامه نمی‌شود و مدعی العموم و کلیه اشخاص خصوصی مجاز به طرح این نوع دعوا هستند. بنابراین؛ برای اعمال صلاحیت دادگاه نیازی نیست که ضرورتاً شخص قربانی خسارت اقامه دعوا نماید. به هر حال؛ شخصی که در چارچوب نهاد PIL اقامه دعوی می‌نماید باید اثبات نماید که اقامه دعوی وی در راستای استیفای منافع عمومی و نه در راستای استیفای منافع شخصی اقامه می‌شود.

۷۳. در خصوص معاهدات منطقه‌ای؛ معاهدات منطقه‌ای نفتا (NAFTA) و آسه آن (ASEAN) در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت بسیار برخوردارند. هدف موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی - موسوم به نفتا - ایجاد اقتصادی یکپارچه میان کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک و آزاد سازی جریان سرمایه میان طرفین این موافقت‌نامه بین‌المللی می‌باشد. فصل یازدهم موافقت‌نامه تجاری نفتا راجع به سرمایه‌گذاری در حوزه کشورهای طرف معاهده می‌باشد و هدف از آن؛ حمایت و حفاظت از سرمایه و حقوق سرمایه‌گذاران در حوزه کشورهای طرف معاهده است. در مجموع؛ پرونده‌های قضایی مربوط به نفتا موجب شده است که حقوق‌دانان این موافقت‌نامه منطقه‌ای را مهم‌ترین موافقت‌نامه موجود در منطقه آمریکای شمالی قلمداد کنند. بر طبق بخش اول از فصل یازدهم موافقت‌نامه نفتا؛ سرمایه‌گذاران خارجی در حوزه کشورهای آمریکای شمالی از حق برخورداری از رفتار ملی و همچنین حق برخورداری از رفتار ملی کامله الوداد بهره‌مند هستند. از میان این دو نوع استاندارد رفتاری؛ کشور میزبان سرمایه‌گذاری خارجی بایستی رفتاری را نسبت به سرمایه‌گذار خارجی در پیش بگیرد که نسبت به سرمایه‌گذار خارجی مساعدتر است. در مجموع؛ موافقت‌نامه نفتا بر حفاظت و امنیت کامل سرمایه‌گذاری در حوزه کشورهای طرف معاهده تصریح کرده است و بر حق بازگشت سرمایه مرتبط با سرمایه‌گذاری تأکید کرده است.

در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی،^{۷۴} دشواری برداشتن نقاب از چهره واقعی شرکت^{۷۵} و در نهایت وجود استانداردهای حداقلی رفتار با بیگانگان^{۷۶} از زمره محدودیت‌ها و موانع دولت‌های میزبان در کنترل شرکت‌های فراملی است. همچنین دولت‌های میزبان در کنترل شرکت‌های فراملی با دشواری‌هایی مواجه‌اند که

بخش دوم از فصل یازدهم موافقت‌نامه نفتا در مورد حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری خارجی میان طرف معاهده و سرمایه‌گذار خارجی‌ای است که به طرف دیگر معاهده تعلق دارد. حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری در حوزه نفتا در دیوان داوری بی طرفی صورت می‌پذیرد. دیوان داوری نفتا؛ اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری خارجی را در سایه اصول حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، مورد حل و فصل قرار داده است و در پرونده‌هایی که اختلاف بر سر این مسئله بوده است که آیا اتخاذ تدابیر زیست محیطی از سوی دولت میزبان، نوعی مصادره محسوب می‌شود و یا خیر، رأی داده است که اتخاذ تدابیر زیست محیطی از سوی دولت میزبان نوعی مصادره محسوب می‌شود و دولت میزبان بایستی غرامت پرداخت کند. آرای صادره از دیوان داوری نفتا موجب بروز نگرانی‌هایی در میان فعالان محیط زیست شده است و مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های فراملی را در مخاطره قرار داده است. اگر چه موافقت‌نامه نفتا در بند ۱ از ماده ۱۱۱۴ حق دولت میزبان در وضع، اجرا و نظارت بر استانداردهای زیست محیطی را به رسمیت می‌شناسد، اما؛ دیوان داوری نفتا در پرونده S.D. Myers V. Canada، به این مقررّه تنها ماهیتی اختیاری داده است و این مقررّه را به معنای سلب وظیفه از دولت میزبان در پرداخت غرامت به سرمایه‌گذار خارجی در صورت وضع استانداردهای زیست محیطی نمی‌داند. موافقت‌نامه آسه آن در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ۱۹۸۷ نیز نظامی حمایتی را برای شرکت‌های فراملی پی‌ریزی کرده است و محور قواعد آن بر تضمین آزادی حرکت سرمایه‌گذاران خارجی در گردش است. نگاه کنید به:

- M. Somarajah, the International law on Foreign Investment, op. Cit. p 260.
- Muchlinski; peter, Multinational Corporations and the law, op. Cit. p 239.
- North Atlantic Free trade Agreement, Article 1102; 1103; 1104.
- 74. Stabilization Clause.
- 75. Lifting the Corporate Veil.
- 76. International minimum Standard.

از واقعیات جامعه‌شناختی جهان معاصر نشأت می‌گیرد. منظور از واقعیات جامعه‌شناختی جهان معاصر واقعیات سیاسی-اقتصادی هستند که توان کشورهای در حال توسعه را در کنترل سرمایه‌گذاری خارجی تحت تأثیر قرار داده است، چشم‌گیرترین این واقعیات این است که در دنیای معاصر قدرت از حوزه عمومی به حوزه خصوصی انتقال یافته است و این امر توان دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاری خارجی را در کنترل مؤسسات بازرگانی فراملی فرسوده است.^{۷۷}

بخش دوم: نظارت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها توسط دولت صادرکننده سرمایه

دولت‌های صادرکننده سرمایه در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی نقش مهمی را بازی می‌کنند. مبنای توجیهی کنترل شرکت‌های فراملی به وسیله دولت‌های صادرکننده سرمایه در این نکته نهفته است که کشورهای صادرکننده سرمایه نه تنها در مقابل جامعه جهانی متعهد به حمایت و ارتقا حقوق بشر هستند، ابزارهای حقوقی کنترل شرکت‌های فراملی را نیز در اختیار دارند.^{۷۸}

با وجود این، نظارت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی از طریق دولت‌های صادرکننده سرمایه در بطن خود با محدودیت‌های فراوانی مواجه است:
اولین و مهم‌ترین این محدودیت‌ها این است که اعمال صلاحیت فراسرزمینی

۷۷. آندرو کلپهم معتقد است که خصوصی سازی، مقررات زدایی و حمایت زدایی موجب افزایش قدرت شرکت‌های فراملی شده است و این جریان از قدرت حاکمیت دولت‌ها کاسته است.
نگاه کنید به:

Andrew Clapham, Human Rights Obligations of Non-State Actors (Collected Courses of the Academy of European Law).

78. Sornarajah; The International law on Foreign Investment; op. Cit. n. 1, p. 259.

دولت‌های صادرکننده سرمایه ممکن است با حاکمیت ملی دولت‌های میزبان تعارض پیدا کند.^{۷۹}

دشواری ناشی از اجرای قانون خارجی از دیگر محدودیت‌های دولت‌های صادرکننده سرمایه در کنترل سرمایه‌گذاری خارجی است.

در کنار امکانات و محدودیت‌های عمومی دولت‌های صادرکننده سرمایه‌گذاری خارجی در کنترل شرکت‌های فراملی، امکان طرح دعاوی فراملی در کشورهای صاحب نظام حقوقی کاملاً افق روشنی را به چشمان فعالان حقوق بشری در جهان گشوده است. مهم‌ترین موارد طرح دعاوی فراملی در چارچوب قانون ATCA^{۸۰} صورت پذیرفته است و افکار عمومی جامعه بین‌المللی را به واقعیت‌های تلخ جهان معاصر معطوف نموده است.^{۸۱ و ۸۲}

79. S. Subedi in k. Arts, p. Mihyo (eds.), Responding to the Human Rights deficit: Essays in Honour of Bas de Gaay, KLI, The Hague, 2003, p. 177; 178. Cited in: Shyami; Fernando; Foreign investment; Human Rights and the environment; op. Cit. p 167.

80. Alien Tort Claim Act 1789.

۸۱. قانون دعاوی شبه جرم بیگانگان مصوب ۱۷۸۹ (ATCA) قانونی است که به شایان خارجی اجازه استیفای جبران خسارتی را می‌دهد که در نتیجه عمل یک طرف در نقض قانون ملی یا پیمان ایالات متحده به وجود آمده باشد. این قانون راه را برای پیگیری رفتارهای مغایر حقوق بشری شرکت‌های فراملی در این کشورها باز کرده است. قانون دعاوی شبه جرم بیگانگان نمونه‌ای بارز از قوانین ایالات متحده آمریکا است که در آن اعمال فرا سرزمینی قوانین ملی وجود دارد.

قانون ATCA اذعان می‌دارد که:

«دادگاه‌های منطقه‌ای صلاحیت رسیدگی به دعاوی شبه جرم بیگانگان را که در نتیجه نقض حقوق ملل و یا یکی از پیمان‌های ایالات متحده آمریکا ایجاد می‌شود را دارند».

قانون دعاوی شبه جرم بیگانگان به عنوان بخش نهم از قانون قضایی ۱۷۸۹ به تصویب رسیده است؛ این قانون که به مدت ۲۰۰ سال در بایگانی راکد ایالات متحده آمریکا به سر می‌برد برای نخستین بار در دهه

با وجود این، طرح دعاوی فراملی در چارچوب قانون ATCA با محدودیت‌ها و موانع متعددی همراه بوده است. دکترین موسوم به «ایراد عدم تناسب دادگاه»^{۸۴}، دشواری برداشتن نقاب از چهره واقعی شرکت، دشواری اجرای احکام قضایی در خاک کشور میزبان و امکان ایجاد تنش‌های دیپلماتیک میان دولت‌های صادرکننده سرمایه و دولت‌های میزبان امکان موفقیت طرح دعاوی فراملی در کشورهای صادرکننده سرمایه را با شکست مواجه کرده است.

در حقوق بین‌الملل موضوعه و یا همان پوزیتیویسم موجود، همان‌طور که وضع و اجرای قواعد در اراده انحصاری دولت‌ها قرار دارد، تضمین قواعد حقوق بین‌الملل نیز جز از مجرای اراده دولت‌ها قابل تصور نیست. با این وجود، نقش دولت‌های میزبان و صادرکننده سرمایه به عنوان بازوان اجرایی حقوق بین‌الملل با محدودیت‌هایی ذاتی مواجه است. این نقایص ذاتی به خوبی محدودیت‌های ساختار پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل را به تصویر می‌کشند.

در مقابل، تدوین کنندگان اسناد بین‌المللی نرم و یا قوام نیافته تنها دولت‌ها نیستند. همه نیروهای واقعی جامعه مدنی از قبیل سازمان‌های غیردولتی؛ افراد؛ روشنفکران؛ سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات و شرکت‌های فراملی در کنار دولت‌ها در کار تدوین و نظارت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی نقش ایفاء می‌کنند. یک‌سالاری اراده دولت‌ها در

۱۹۸۰ در پرونده Filartiga V pena – Irala مورد استناد قرار گرفت.

۸۲ نگاه کنید به:

Sarah; Joseph; Corporations and Transnational Human Rights Litigation; Hart publishing.

83. Forum Non Conveniens.

۸۴ دکترین ایراد عدم تناسب دکترینی است که به دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا اجازه می‌دهد که پرونده‌هایی را که مطرح کردن آن‌ها در دادگاه خارجی با مقرر دادگاه تناسب ندارد رد نمایند.

حقوق بین‌الملل موضوعه در سرزمین «حقوق نرم و قوام نیافته» اعتباری ندارد. در این سرزمین همه نیروهای فعال اجتماعی می‌کوشند تا غایات عقلانی جامعه بین‌المللی تحقق وجودی پیدا کند

در تحلیل نهایی، تکوین وجودی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی بر سه رکن استوار است:

رکن نخست: شناسایی اصل کلی مسئولیت شرکت‌های فراملی به همراه لوازم وجودی آن.

رکن دوم: اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل باید: الف) واجد مضامینی حقوقی و الزام‌آور باشد.

ب) واجد مضامینی سازگار؛ منسجم و منطقی باشد.

۳. رکن سوم: اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی باید به نحوی مؤثر مورد تضمین قرار گرفته باشد.

در خصوص ارکان سه‌گانه وجودی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل باید خاطر نشان کرد که:

در خصوص رکن نخست، اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی مورد شناسایی رسمی جامعه دولت‌ها قرار نگرفته است. مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی مفهومی است که ضرورت آن از عقلانیت طبیعی مایه می‌گیرد. واقعیت این است که اراده جامعه دولت‌ها در کل تمایلی به ضابطه‌مند شدن عقلانی رفتار بازرگانان بین‌المللی نداشته است.

همچنین، از آن‌جا که بهره‌مندی شرکت‌های فراملی از شخصیت حقوقی بین‌المللی شرط لازم تحقق وجودی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی است، حقوق بین‌الملل فاقد شرط لازم تحقق وجودی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی است. زیرا، شخصیت حقوقی بین‌المللی شرکت‌ها مورد تردید جدی حقوق‌دانان قرار دارد.

در مقابل، در نظام ارزشی حقوق بین‌الملل به عنوان برابر نهاد نظام موضوعه:
 اولاً: اصل کلی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی مورد تصدیق عقلی جمعی
 جامعه بین‌المللی قرار گرفته است و ریشه در احکام عقلانی حقوق طبیعی دارد.
 ثانیاً: در اسناد نرم و یا قوام نیافته، شخصیت حقوقی شرکت‌های فراملی مورد تصدیق
 وجود شناسانه قرار گرفته است.
 در خصوص رکن دوم، در حقوق بین‌الملل اصل مسئولیت اجتماعی شرکت‌های
 فراملی فاقد مضامینی حقوقی، الزام آور، منسجم و سازگار است.
 در این رابطه:

اولاً: حقوق بین‌الملل محیط زیست با فقدان نظام و مضمون حقوقی و الزام آور قادر
 نیست از نقض محیط زیست توسط شرکت‌های چندملیتی جلوگیری کند.
 ثانیاً: اسناد مرتبط با تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی ترکیبی ناسازگار و
 ناهمگون از تعهدات اخلاقی نوظهور و تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی هستند و
 در تحلیل نهایی قادر به قاعده‌مند ساختن رفتاری مؤسسات بازرگانی فراملی نیستند.
 ثالثاً: حقوق بین‌الملل توسعه با فقدان مضمون حقوقی و الزام آور قادر نیست
 فعالیت‌های شرکت‌های فراملی را در خدمت هدف عقلانی و متعالی جامعه بین‌المللی یعنی
 حق بر بالندگی ملل در آورد.
 رابعاً: حقوق بین‌الملل در حوزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی، حقوق بشر، حقوق محیط
 زیست و حقوق توسعه با یکدیگر تعاملی و اگراییانه دارند.
 پس، در نهایت، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی فاقد مضامینی حقوقی،
 الزام آور، منسجم و سازگار است.
 در خصوص رکن سوم، حقوق بین‌الملل موضوعه نتوانسته است به نحوی مؤثر اصل و
 مضمون مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را مورد تضمین قرار دهد.
 در این رابطه، دولت‌های میزبان و صادرکننده سرمایه‌گذاری خارجی در راه کنترل

شرکت‌های فراملی با محدودیت‌ها، موانع و چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. در این خصوص، هدایت الله فلسفی در کتاب صلح جاویدان و حکومت قانون می‌نویسند:

«حقوق بین‌الملل دستگاه اجرایی خاصی ندارد که بتواند حافظ منافع جامعه بین‌المللی باشد. به همین سبب، اجرای قواعد آن به ارگان‌های داخلی که قبل از هر چیز حافظ منافع ملی و حقایق دولتی هستند؛ محوّل شده است.»^{۸۵}

بر این اساس، دولت‌های میزبان و صادرکننده سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌توانند مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را به نحوی مؤثر تضمین کنند. در مقابل؛ در نظام ارزشی حقوق بین‌الملل به عنوان برابر نهاد نظام حقوق بین‌الملل موضوعه:

اولاً: کلیت و جهان شمول بودن ارزش‌های حقوق بشری بنای عقلانی مناسبی را در جهت اعمال صلاحیت جهانی و صلاحیت فراسرزمینی فراهم کرده است.

ثانیاً: در اسناد «حقوق نرم و یا قوام نیافته»، همه بازیگران فعال عرصه روابط بین‌الملل در راه تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی مسئول قلمداد می‌شوند. بنابراین نظام ارزشی حقوق بین‌الملل با رسمیت شناختن پلورالیسم موجود می‌تواند بستر مناسبی را در جهت به‌کارگیری همه عوامل مؤثر در راه تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی فراهم آورد و حقوق بین‌الملل را به سمت و سوی آرمان عدالت حرکت دهد.

فصل دوم: مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی نرم و قوام نیافته بخش اول: سهم اصول راهنمای شرکت‌های چند ملیتی در مقید کردن

۸۵ هدایت الله، فلسفی؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۰، ص ۴۷۸.

خود^{۸۶}

در سال‌های اخیر، شرکت‌ها رفتارنامه‌ها و اصول راهنمایی را به‌طور داوطلبانه^{۸۷} تنظیم نمایند که موضوع آنها ضرورت احترام به حقوق بشر است. این رفتارنامه‌ها و اصول راهنماها استانداردهایی حداقلی را برای تنظیم و تحدید رفتار شرکت‌ها تعیین می‌نمایند. به‌علاوه، شرکت‌هایی که در بخش‌های صنعتی مشابهی فعالیت می‌کنند اقدام به تدوین رفتارنامه‌ها و اصول راهنمای یکسانی کرده‌اند. به عنوان مثال، از طرح‌های مشارکت بخش صنعتی پوشاک در ایالات متحده آمریکا^{۸۸}، طرح شرکت‌های نساجی و پوشاک در استرالیا^{۸۹} و یا طرح‌های تجارت اخلاق مدار در بریتانیا^{۹۰} می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از آیین‌های خودگردان شرکت‌های فراملی یاد کرد.

نظام آیین‌های خودگردان شرکت‌های فراملی می‌تواند به عنوان یکی از اسباب جامعه شناختی ساخت قواعد در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی عمل نماید و بستر

86. Self-regulation

87. Voluntary Initiatives/ Voluntary Codes of Conduct.

88. Apparel Industry partnership Initiative in the United States. See J Johnson; Public private- public Convergence: How the private Actor Can Shape public International Labour Standards, (1998) 24 Brooklyn journal of International Law 291; 299-302. Cited in: Joseph; Sara; Corporations and transnational Human Rights Litigation; p.8.

89. Fairwear Campaign in Australia;

نگاه کنید به:

D Kinley, 'Human Rights as Legally binding or merely relevant' in Joseph; Sarah; Corporations and transnational Human Rights Litigation; Hart publishing; 2004; p8.

90. Trading Initiative in the United Kingdom;

نگاه کنید به:

www.ethicaltrade.Org

قانون‌گذاری‌های ملی را برای وضع، اجرا و تضمین قواعد مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها آماده سازد.

آیین‌های خودگردان بخشی از سرزمین حقوق نرم و یا قوام نیافته را تشکیل می‌دهند که می‌توانند توسعه تدریجی و پیش رونده حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار دهند و شکاف موجود میان حقوق قوام یافته و حقوق قوام نیافته و شکاف میان چارچوب موضوعه حقوق بین‌الملل و چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل را پر نمایند.

بخش دوم: سهم سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در نظارت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی

سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در اشکال گوناگون به نظارت نرم و یا قوام نیافته بر فعالیت‌های شرکت‌های فراملی دست می‌زنند. این سازمان‌ها طرح‌هایی را در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی تنظیم می‌نمایند، تنظیم این قبیل طرح‌ها یا به نحوی مستقل و یا با همکاری و مشارکت شرکت‌های فراملی صورت می‌گیرد.

سازمان‌های غیردولتی علاوه بر تهیه طرح‌های مستقل و مشترک در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی با برپایی اشکال گوناگون اعتراضات اجتماعی از قبیل نافرمانی مدنی، تظاهرات و جنبش‌های اعتراضی نارضایتی خود را علیه پیامدها و آثار ناگوار جهانی شدن به‌ویژه فعالیت‌های مخرب شرکت‌های فراملی اعلام می‌نمایند. سازمان‌های غیردولتی به عنوان صداهای آشکار جامعه مدنی علیه پیامدها و آثار ناگوار جهانی شدن اعتراضات و تظاهرات وسیعی را به راه انداختند، تظاهرات گروه‌های جامعه مدنی در سال ۱۹۹۹ در سیاتل^{۹۱} را می‌توان نمونه اعلای این فعالیت‌ها عنوان کرد. نیم دهه

91. Battle of Seattle.

پس از تکمیل دور اروگوئه، سازمان جهانی تجارت در ۳۰ نوامبر سال ۱۹۹۹ در سیاتل واشنگتن همایشی برگزار کرد که تصور می‌شد آغاز دور جدیدی از مذاکرات تجاری با هدف کامل کردن دستاوردهای دولت کلینتون در آزاد سازی تجاری از جمله انعقاد پیمان نفتا در سال ۱۹۹۴ و تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ بود. اما همایش مذکور به یک فاجعه تبدیل شد. در نخستین روز همایش صدها نفر از ساعت ۵ صبح شروع به بستن چهار راه‌های نزدیک مرکز همایش کردند.

در پایان روز اول فرماندار در ایالت واشنگتن حالت فوق العاده اعلام کرد و مقررات منع رفت و آمد اعمال شد، سپس فرماندار ایالت گارد ملی را احضار کرد. تظاهرات مذکور به قدری گسترده و شدید بود که اعتراضات قبلی علیه جهانی شدن را تحت الشعاع قرار داد و مذاکرات سیاتل در نهایت به شکست انجامید.^{۹۲}

به عبارت دیگر؛ اگر چه سازمان‌های غیردولتی در همه موارد نتوانسته‌اند پیامدها و آثار ناگوار جهانی شدن را از میان بردارند، در مواردی موفق شده‌اند که از تثبیت بی‌عدالتی‌های موجود در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی جلوگیری کنند.

از دیگر موفقیت‌های سازمان‌های غیردولتی باید به شکست مذاکرات معاهده چند جانبه سرمایه‌گذاری خارجی (MAI)^{۹۳} در سال ۱۹۹۸ اشاره کرد. به منظور ایجاد نظام جامع سرمایه‌گذاری خارجی، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) مذاکراتی را راجع به سرمایه‌گذاری خارجی آغاز کرد. پیش‌نویس معاهده MAI فاقد هرگونه مقرره‌ای در رابطه با محیط زیست، حقوق بشر، حمایت از مصرف‌کنندگان، توسعه پایدار و استانداردهای حقوق کار بود.

پیش‌نویس این موافقتنامه تنها تضمین‌کننده منافع شرکت‌های فراملی در دولت‌های

۹۲. جوزف، استیگلتز؛ نگاهی نو به جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، ص ۱۰۷.

93. Multilateral Agreement on investment.

میزبان بود. در نهایت در ۲۴ آوریل ۱۹۹۸ مذاکرات OECD متوقف شد. عاملی که باعث توقف مذاکرات پیش‌نویس معاهده چند جانبه سرمایه‌گذاری خارجی شد این بود که رهبران سیاسی در ایالات متحده آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) نتوانستند حمایت سیاسی لازم را در خانه‌هایشان برای ادامه مذاکرات پیش‌نویس معاهده چند جانبه سرمایه‌گذاری خارجی کسب کنند؛ زیرا، نهادهای غیردولتی منتقدان جدی مذاکرات MAI بودند.^{۹۴} شکست مذاکرات MAI مورد دیگری بود که در آن سازمان‌های غیردولتی موفق شدند از تثبیت و تحکیم بی‌عدالتی‌های موجود در سرمایه‌گذاری خارجی جلوگیری کنند. در مجموع باید خاطر نشان کرد طرح‌های جامعه مدنی می‌تواند توسعه تدریجی و پیش رونده حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار دهد و شکاف موجود میان چارچوب ارزشی حقوق بین‌الملل و چارچوب حقوق بین‌الملل موضوعه را تعدیل نماید.

بخش سوم: سهم سازمان‌های بین‌المللی در تحقق مسئولیت اجتماعی

شرکت‌های فراملی

سازمان‌های بین‌المللی با تدوین اصول راهنما، قواعد رفتاری و اعلامیه‌های راجع به تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی نقش ایفا می‌کنند. در این میان برخی از سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان ملل متحد و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی با تشکیل ارکان نظارتی بر رفتار شرکت‌های فراملی نظارت می‌نمایند. در این بخش به ترتیب سهم سازمان ملل متحد (UN) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار

94. Eva, Nieuwenhuys , Global development through international investment law : Lessons Learned from MAI , Nijhoff publications , 2004, p295.

می گیرد.

۱. سازمان ملل متحد (UN)

سازمان ملل متحد در سالهای اخیر شاهد دو تلاش گوناگون در جهت تحقق مسئولیت اجتماعی شرکتهای فراملی بوده است: نخستین تلاش به طرح پیمان جهانی دبیرکل سابق سازمان ملل متحد باز می گردد.^{۹۵} دبیرکل سابق سازمان ملل متحد - کوفی عنان - در ژانویه سال ۱۹۹۸ طرح پیمان جهانی سازمان ملل متحد را در اجلاس داووس سوئیس ارائه کرد؛ این طرح متضمن مشارکت سازمان ملل متحد با بخش خصوصی در تحقق ده اصل مندرج در این سند بین المللی است. هدف بنیادین این طرح ایجاد مشارکت میان سازمان ملل متحد و بخش خصوصی به منظور همکاری میان این دو برای تحقق اصول مسئولیت اجتماعی شرکتهای فراملی (حقوق بشر؛ حقوق کار؛ حقوق محیط زیست و مقررات منع ارتشاء) است. در کنار طرح پیمان جهانی، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ به تدوین قواعد رفتاری سازمان ملل متحد در مورد مسئولیت های شرکتهای فراملی و دیگر مؤسسات بازرگانی در رابطه با حقوق بشر^{۹۶} اقدام کرد. هدف مجموعه قواعد سازمان ملل متحد (UN- norms) فراهم آوردن نخستین سند

95. UN Global Compact office, 'United nations Guide to the Global Compact: A practical undere Standing of the vision and the Nine principles. < [http:// www. Unglobalcompact. Org/ irj/ Servlet/ prt/ portal/ Com. Sapportals. Km. docs/ Ungc-html- Content/ public- Documents/ gcguide. Pdf](http://www.Unglobalcompact.Org/irj/Servlet/prt/portal/Com.Sapportals.Km.docs/Ungc-html-Content/public-Documents/gcguide.Pdf)> 4 (hereinafter, United nations guide to the Global Compact.

96. UN- norms on the responsibilities of transnational Corporations and other Bussiness enterprises with Regard to Human Rights.

جامع بین المللی در مورد تعهدات حقوق بشری شرکتهای چند ملیتی است که به طور مستقیم بر آنها قابل اعمال باشد، از این منظر مجموعه قواعد رفتاری سازمان ملل گام مهمی در اعمال مستقیم قواعد و مقررات حقوق بین الملل به مؤسسات بازرگانی است. ارزش مجموعه قواعد سازمان ملل متحد در کلیت و جهان شمول بودن آن نهفته است؛ زیرا، مجموعه قواعد رفتاری دامنۀ موضوعی فراخی دارد و بر اساس قواعد بین المللی موجود رویکردی همه جانبه و عام را در خصوص فعالیت های شرکت ها اعمال کرده است.

۲. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)

نسخه نخستین اصول راهنمای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال ۱۹۷۶ با عنوان اصول راهنمای مؤسسات چند ملیتی^{۹۷} به عنوان بخشی از اعلامیه سرمایه گذاری خارجی و مؤسسات چند ملیتی^{۹۸} با هدف تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت ها و مؤسسات بازرگانی مورد تصویب قرار گرفت.^{۹۹}

اهمیت اصول راهنمای OECD از این واقعیت مایه می گیرد که تدوین کنندگان آن جملگی کشورهای صادرکننده سرمایه و مقرر اکثریت قابل توجهی از شرکت های فراملی هستند. این به خودی خود نشان دهنده این حقیقت است که کشورهای توسعه یافته نیز

97. OECD, 'Guidelines For Multinational Corporations' (31 october 2001) OECD Doc DAFFE/IME/WPG (2000) 15/ FINAL (OECD Guidelines)

98. OECD, 'The OECD Declaration and Decisions on international investment and Multinational Enterprises: Basic text' (9 November 2000) OECD Doc DAFFE/IME (2000) 20 (most recent Version).

۹۹. اولین اصلاح و بازبینی اصول راهنمای OECD به سال ۱۹۹۱ باز می گردد. به علاوه، دومین اصلاح و بازبینی بنیادین در اصول راهنمای OECD در سال ۲۰۰۰ پس از شکست سازمان OECD در مذاکرات موافقت نامه چندجانبه سرمایه گذاری خارجی (MAI) صورت پذیرفت.

ضرورت تحقق وجودی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را تصدیق می‌کنند. وانگهی، اصول راهنمای OECD در بردارنده ارزش‌های نوظهوری است که حقوق بین‌الملل می‌تواند بستر آن را نقطه عزیمت توسعه خود قرار دهد و به سوی تأسیس رژیم جامع، کامل و مستقل مسئولیت شرکت‌های فراملی حرکت نماید.

نتیجه‌گیری

حقوق نرم و قوام نیافته: راهی میان پوزیتیویسم محض و آرمان شهر عدالت و نقطه عزیمت توسعه حقوق بین‌الملل
 «حقوق نرم جهت رشد و توسعه حقوق بین‌الملل را معین می‌دارد و نهایتاً اراده دولت‌ها را در مسیری بخردانه به حرکت در می‌آورد.»^{۱۰۰}
 در نهایت، با تحلیل سیستماتیک نظام حقوق موضوعه موجود به این نتیجه می‌رسیم که:

«حقوق بین‌الملل در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی فاقد ارکان وجودی و ضروری مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی است. در حقوق بین‌الملل مسئولیت اجتماعی مؤسسات بازرگانی به نحوی مؤثر مورد تصدیق، اعمال و تضمین قرار نگرفته است.»
 در مقابل، با استفاده از چارچوب و یا نظام ارزشی حقوق بین‌الملل می‌توان ارکان وجودی و ضروری مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را استخراج نمود. از آن‌جا که مصدر «تمهید» به معنای مهیا ساختن مقدمات ضروری اصلی است که وجود خارجی ندارد، با تمسک به حقوق نرم و یا قوام نیافته می‌توان مقدمات ضروری تحقق وجودی اصل مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی را استنتاج نمود و به این وسیله حقوق بین‌الملل موضوعه را به سمت و سوی آرمان عدالت نزدیک کرد.

۱۰۰. هدایت الله، فلسفی؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۰، ص ۴۴۴.

منابع

الف) فارسی

۱. استیگلیتز، جوزف؛ نگاهی نو به جهانی شدن، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۶.
۲. اسلامی، رضا و بصیرت، یلدا؛ بررسی و تحلیل برخی آراء کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم، ش ۵۰، ۱۳۹۰.
۳. افتخار جهرمی، گودرز؛ حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۰، ۱۳۹۰.
۴. آمارتیا سن؛ توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱.
۵. بیگ زاده، ابراهیم؛ سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۱-۳۲، ۱۳۷۹.
۶. فلسفی، هدایت الله؛ حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۳.
۷. فلسفی، هدایت الله؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۰.
۸. فلسفی، هدایت الله؛ توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، همبودی و تعارض تعهدات دولت‌ها، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ش دوم، ۱۳۸۵.
۹. فلسفی، هدایت الله؛ حقوق بین‌الملل از اراده مطلق تا عقل و واقعیت و از عقل و واقعیت تا بشریت، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ش دوم، ۱۳۸۵.
۱۰. فلسفی، هدایت الله؛ جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، ش ویژه.
۱۱. فلسفی، هدایت الله؛ نیم نگاهی به تأثیر مطالعات تطبیقی در تحول و تکامل نظام‌های ملی و بین‌المللی، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ش سوم؛

۱۳۸۶.

۱۲. فلسفی، هدایت الله؛ رویایی عقل و واقعیت: مسئله منابع، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ش سوم، ۱۳۸۶.

۱۳. فلسفی، هدایت الله؛ ملل متحد و آرمان بشریت، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۶-۳۵.

۱۴. فلسفی، هدایت الله؛ روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل، شناخت منطقی حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، ۱۳۷۰.

۱۵. فلسفی، هدایت الله؛ تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، ش ۱۶-۱۷، بهار ۱۳۷۵.

۱۶. فلسفی، هدایت الله؛ تحولات دادگستری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۵، ۱۳۷۳.

۱۷. فلسفی، هدایت الله؛ اجرای مقررات حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۳، ۱۳۷۳.

۱۸. فلسفی، هدایت الله؛ روش‌های شناخت منطقی حقوق بین‌الملل: تفسیر و اجرا مقررات حقوق بین‌الملل (۲)، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۱، ۱۳۷۲.

۱۹. فلسفی، هدایت الله؛ روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل: شناخت منطقی حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰، ۱۳۷۱.

۲۰. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۸.

۲۱. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۸.

۲۲. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ مبانی توجیهی- اخلاقی حقوق بشر معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۵-۳۶، زمستان ۱۳۸۱.

۲۳. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۳-۳۴، زمستان ۱۳۸۰.
۲۴. قنبری جهرمی، محمد جعفر؛ تعریف و منابع حقوق بین الملل اقتصادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۵-۲۶، ۱۳۷۸.
۲۵. هومن فلدرن، آیگناتس؛ حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه و تحقیق: دکتر سید قاسم زمانی، انتشارات شهردانش، تهران، ۱۳۸۵.

ب) لاتین

Books and Articles

1. Abrahams, D., Regulating Corporations: A Resource Guide, UNRISD, -
2. A. Crane, D. Matten, Business ethics: A European perspective, Managing Corporate Citizenship and Sustainability in the age of globalization, OUP, Oxford, 2004
3. A, khokhryakova, ' Beanal V. Freeport- Mcmoran, Inc: liability of a private Actor For an International Environmental tort under the Alien tort claims Act ' (1998) 9 Colorado journal of International Environmental law
4. A palmer; Community redress and Multinational enterprises (London: Foundation For International environmental law and development, 2003), < <http://www.Field.Org.UK/PDF/redress.pdf> >. Geneva, July 2004.
5. A. Rosencranz and R. Campbell , 'Foreign Environmental and Human Rights Suits against U.S.Corporations in U.S. Courts '(1999) 18 Stanford Environmental law journal 145

6. Benedict; Kingsbury; Sovereignty and Inequality, 9EURJINTL, 599, 612 (1998)
7. 'Bhopal Gas Tragedy and its Effect on Process Safety', International Conference on the 20th Anniversary of the Bhopal Gas Tragedy, December 1-3, 2004, Indian Institute of Technology, Kanpur, India, <http://www.iitk.ac.in/jpg/bhopal> 2.
8. 'Bhopal 20 Years On: Polluted Water, Chronic Illness and Little Compensation', Global Policy Forum, <http://www.globalpolicy.org/soccecon/tncs/2004/1129bhopal.htm>.
9. Brownlie, Principles of Public International Law. OUP, Oxford, 2003.
10. B Stephens, 'Translating Filartiga: A Comparative and International law Analysis of Domestic Remedies For International Human Rights Violations' (2002) 27 Yale journal of International law
11. C Forces, 'Detering, Militarized commerce: The prospect of liability for privatized Human Rights Abuses (2000) 31ottawa law review
12. Crane, A., Matten, D., Business Ethics: A European Perspective, Managing Corporate Citizenship and Sustainability in the Age of Globalization, OUP, Oxford, 2004.
13. vChristopher MC Crudden; Human Rights Codes For transnational Corporations: what Can the Sullivan and MacBride principles tell us?; 19 OXFORD J. Legal STUD. 167 (1999).
14. Danicl, Thurer, international Humanitarian law: Essence and perspectives, 2007.
15. David Kinley; From talk to walk; The Emergence of Human Rights responsibilities For Corporations at LAW; 2004.
16. David Kinley; International Law; SYDNEY CENTER FOR International.

17. D.Henderson, Misguided Virtue , False notions of Corporate Social responsibility , (IEA, London, 2001)
18. D. Vagts, ' The UN-Norms For transnational Corporations' (2003) 16 Leiden journal of international Law
19. Elisa; MORGERA;The Corporate accountability in International Environmental Law; Oxford University press; 2009.
20. Eva , Nieuwenhuys , Global development through international investment law : Lessons Learned from MAI , Nijhoff publications , 2004
21. F. Calder and M. Culverwell, Following up the WSSD Commitments on Corporate responsibility and accountability, (London: Royal institute of international affairs, 2004)
22. Fitzgerald, E.V.K., Regulating Large International Firms, Technology, Business and Society Programme paper no. 5, UNRISD, Geneva, 2001.
23. Fitzgerald, E.V.K., Voluntary Approaches to Corporate Responsibility: Readings and a Resource Guide, UN Non-Governmental Liaison Service, Geneva, 2002.
24. Henderson, E., Misguided Virtue: False Notions of Corporate Social Responsibility, The Institute of Economic Affairs, London, 2001.
25. H. Knox, The Myth and reality of Transboundary Impact Assessment, American journal of International law, 2002.
26. Horn, N. (ed.), Legal Problem of Codes of Conduct for Multinational Enterprises, vol. 1, Kluwer, Deventer, 1980.
27. Jagers, N., Corporate Human Rights Obligations: In Search of Accountability, Intersentia, Antwerp, 2002.

28. Janet; Dine; Companies; International Trade and Human Rights; CAMBRIDGE University press; 2007.
29. Jean- claude, Javillier , Corporate Social responsibility and law: synergies are needed for Sustainable development
30. John H. Knox; The Myth and reality of transboundary Environmental Impact Assessment , American Journal of international law, 2002
31. Joseph, S., 'Taming the Leviathans: Multinational Enterprises and Human Rights', XLVI NILR (1999), p. 171.
32. Joseph, S., Corporations and Transnational Human Rights Litigation, Hart Publishing, 2004.
33. J. p. Eaton, ' The Nigerian Tragedy, Environmental regulation of Transnational Corporations, and the human Right to a Healthy environment ' (1997) 15 Boston University international law journal 261
34. K. Bruno and J. Karliner, 'The UN's Global Compact, Corporate accountability and the Johannesburg Earth Summit' (2002) 45 development
35. Malanczuk, P., Akehurst, s Modern Introduction to International Law, Routledge, London/ New York, 1997.
36. Martin, McCorquodale, Cases and Materials on international law, OUP, oxford, 2003.
37. Mary Hallward- Driemeier , ' Do Bilateral investment treaties Attract FDI? Only a Bit ... and they could Bite' world Bank research paper, 2003, available on the website of the word Bank.
38. M. Dixon, R. McCorquodale, Cases and Materials on international law, OUP,

Oxford, 2003

39. M.Moor, world without walls , Cambridge University press, 2002:
40. Mosler, H., 'Subjects of International Law', in R. Bernhardt (ed.), Encyclopaedia of Public International Law, Vol. IV, 2000, p. 710.
41. M.spinedi , B.simma (eds.) , united nations codification of state responsibility , Oceana publications , inc., New York , 1987
42. Muchlinski, P.T., 'The Accountability of Multinational Enterprises and the Right to Development: The Compensation of Industrial Accident Victims from Developing Countries', Third World Legal Studies (1993), p. 189.
43. Muchlinski, P.T. , Multinational Enterprises and the Law, Blackwell, London, 1995.
44. N. Jagers; Corporate Human Rights obligations: in Search of Accountability; intersentia, Antwerp, 2002
45. Human Rights Standards and the Responsibility of Transnational Corporations, 13 Leiden Journal of International Law (2000), p. 712.
46. 'Human Rights and Multinationals: Is there a problem?', 77(1) International Affairs (2001), p. 31.
47. N.Hertz, The Silent take over (Heinman , London, 2001)
48. P.Draho and S.Braithwaite , Global Braithwaite, Global Bussiness regulation , (Cambridge university press , 2000) .
49. PJ Spiro, ' New Global potentates: Non-governmental organizations and the 'unregulated' Marketplace, (1996) 18 Cardozo Law review
50. Pogge, T., Realizing Rawls, Cornell, 1989.

51. Pogge, T., Global Justice, Blackwell, 2001.
52. Pogge, T., World Poverty and Human Rights, Polity Press, Cambridge, 2002.
53. Qureshi, A.H., International Economic Law, Sweet and Maxwell, London, 1999.
54. R. Jenkins, Corporate Codes of Conduct: Self- regulation in a Global economy, UNRISD Technology, Bussiness and Society programme
55. Sand, P.H., Transnational Environmental Law, KLI, London, 1999.
56. Sand, P. (ed.), Greening International Law, Earthscan, London, 1993.
57. 'International Law in the Field of Sustainable Development', 65 British Yearbook of International Law (1994), p. 303.
58. Sand, P.H., Principles of International Environmental Law, CUP, Cambridge, 2003.
59. S.Anderson and j.cavanaugh, The rise of Global corporate power ,institute For policy Studies, Washington DC , 1996.
60. Schrijver, N., Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties, CUP, Cambridge, 1997.
61. 'On the Eve of Rio+10: Development- the Neglected Dimension in the International Law of Sustainable Development', Dies Natalis Lecture, Institute of Social Studies, The Hague, 11th October 2000.
62. Seidl-Hohenveldern, I., Corporations in and under Public International Law, Grotius Publications, Cambridge, 1987.
63. Sen, A., Ethics and Economics, Blackwell, Oxford, 1989.
64. Sen, A., Inequality Re-Examined, Harvard University Press, Cambridge, 1995.
65. Sen, A., Development as Freedom, Anchor Books, New York, 2000.

66. Somarajah, M., The International law on Foreign Investment, Cambridge University, 2004.
67. Somarajah, M., 'Power and Justice in International Law', Singapore Journal of International and Comparative Law (1997), p.28.
68. Somarajah, M., The Settlement of Foreign Investment Disputes, KLI, The Hague, 2000.
69. Somarajah, M., 'The Clash of Globalizations and the International Law of Foreign Investment', Simon Reisman Lecture in International Trade Policy, Norman Paterson School of International Affairs, Ottawa, 12 September 2002.
70. Somarajah, M., International Law on Foreign Investment, CUP, Cambridge, 2004.
71. South Centre, Facing the Challenge: Responses to the Report of the South Commission, Zed Books, London, 1993.
72. Foreign Direct Investment, Development and the New Global Economic Order- A Policy Brief for the South, South Centre, Geneva, 1997.
73. S. R. Ratner, Corporations and Human Rights: A theory of Legal Responsibility, 111 Yale law. journal, 2001
74. T Collingsworth ,, Boundaries in the field of Human Rights: the key Human Rights challenge: Developing enforcement mechanisms , 2002 Harvard Human Rights journal 183 .
75. The WTO Multilateral Trade Agenda and the South, South Centre, Geneva, 1998.
76. Spinedi, M., Simma, B. (eds.), United Nations Codification of State Responsibility, Oceana Publications, New York, 1987.
77. Stiglitz, J., Globalization and its Discontents, Penguin Books, London, 2002.

78. Swanson, T., Johnston, S., Global Environmental Problems and International Environmental Agreements,
79. RB Thompson, ' piercing the corporate Veil: An Empirical Study ' (1991) 104. Cornell law review
80. Shyami; Fernando; Foreign Investment, Human Rights and the environment; Nijhof publications; 2007.
81. SM Bainbridge; ' Abolishing Veil piercing ' (2001) 26 journal of Corporate Law.
82. T Collingsworth ,, Boundaries in the field of Human Rights: the key Human Rights challenge: Developing enforcement mechanisms , (2002) Harvard Human Rights journal 183
83. UNCTAD, Scope and Definition, UN, New York/ Geneva, 1999.
84. UNCTAD, Foreign Direct Investment and Development, UN, New York/ Geneva, 1999.
85. UNCTAD, Lessons from the MAI, UN, New York/ Geneva, 1999.
86. UNCTAD, The Social Responsibility of Transnational Corporations, UN, New York/ Geneva, 1999.
87. UNCTAD, Social Responsibility, UN, New York/ Geneva, 2001.
88. UNCTAD, Host Country Operational Measures, UN, New York, 2001.
89. UNCTAD, Home Country Measures, UN, New York, 2001.
90. UNCTC, Transnational Corporations in World Development: Trends and Prospects, UN, New York, 1988.
91. UNRISD, States of Disarray: The Social Effect of Globalization, UN, Geneva, 1995.

92. UNRISD, Visible Hands: Taking Responsibility for Social Development, UN, Geneva, 2000.
93. Weeramantry, C.G., 'Human Rights and the Global Marketplace', 15 Brooklyn Journal of International Law (1989), P. 109.
94. Weeramantry, C.G., 'Private International Law and Public International Law', 24 Revista diritto internazionale privato e processuale (1998), p.313.
95. world bank; Greening industry: New roles For Communities, markets and Governments (oxford: OUP, 2000)
96. Zia- Zarif; Suing Multinational Corporations in the US For Violating International law; (1999); 4 UCLA journal of International law and Foreign affairs